

## تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)

رضا زمانی\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۲

### چکیده

هدف اصلی این مقاله، مطالعه نوع نظم اجتماعی حاکم بر ایران بین دو انقلاب (۱۲۸۵-۱۳۵۷) است. نظم اجتماعی به دو نوع دسترسی باز و دسترسی محدود تقسیم می‌شود و خود دسترسی محدود (یا وضعیت طبیعی) به سه نوع شکننده، پایه و بالغ تقسیم می‌شود. ایران از انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹، گرفتار وضعیت طبیعی شکننده بوده و از این کودتا تا تغییر رژیم سیاسی (۱۳۰۵) از قاجاریه به پهلوی در حال گذار از وضعیت طبیعی شکننده به پایه بوده است. در دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۵) ایران در وضعیت طبیعی پایه بوده که در آن دوره رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی به دست آمده و این امر به شکل گیری شکاف توازن دوگانه اقتصادی و سیاسی منجر شده است. در دوره ۱۳۲۵-۱۳۲۰ کشور به وضعیت طبیعی شکننده عقب گرد کرده و از ۱۳۲۶ تا کودتای ۱۳۳۲ در حال گذار مجدد از وضعیت طبیعی شکننده به پایه بوده است. در دوره ۱۳۳۲-۱۳۴۲ وضعیت طبیعی پایه تثبیت شده است. طی سال‌های ۱۳۴۲-۱۳۲۰ تلاش‌هایی برای کنترل سیاسی نظامیان (آخرین شرط آستانه‌ای گذار به دسترسی باز) انجام شده اما به سرانجام نرسیده‌اند. دوره ۱۳۵۱-۱۳۴۲ دهه طلایی رشد اقتصادی ایران بوده و سیستم اقتصادی در شرایط گذار از وضعیت طبیعی پایه به بالغ بوده، اما سطح دسترسی سیاسی به شدت کنترل شده و در نتیجه کشور با شکاف توازن دوگانه اقتصادی و سیاسی روبه‌رو شده است. در دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۱ کشور دوباره به حالت گذار از وضعیت طبیعی پایه به شکننده عقبگرد داشته، بقای ائتلاف غالب تهدید و در نهایت به طور کامل تغییر یافته است.

طبقه‌بندی JEL: P50, B23, B23, O53

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، نظم اجتماعی دسترسی محدود، نظم اجتماعی دسترسی باز، ایران.

۱- مقدمه

تأثیر متقابل اقتصاد و سیاست بر یکدیگر در دهه‌های اخیر از طریق مطالعات اقتصاد سیاسی پیگیری شده است. یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های نظری که برای تحلیل این تأثیر متقابل ارائه شده، چارچوب نظری نظم اجتماعی است. این چارچوب نظری در سال ۲۰۰۶ ابتدا توسط نورث، والیس و وینگاست<sup>۱</sup> به صورت اجمالی طرح شد و سپس در سال ۲۰۰۹ به صورت دقیق ارائه شد که در کتاب خود (خشونت و نظم‌های اجتماعی) تجربه کشورهای فرانسه، انگلستان و آمریکا را از منظر نظم اجتماعی بررسی کرده‌اند. با حمایت بانک جهانی و با نظارت این سه نفر و با همکاری برخی از نویسندگان دیگر در سال ۲۰۱۳ تجربه چند کشور (شامل بنگلادش، کنگو، زامبیا و موزامبیک، فیلیپین، هند، مکزیک، شیلی و کره جنوبی) از نظر نظم اجتماعی تحلیل شد.

در این چارچوب، زمانی (۱۳۹۲)، صالحی اصفهانی و اسرا گوراکار<sup>۲</sup> (۲۰۱۳) و محسن رنانی (۱۳۹۵) به بررسی نظم اجتماعی ایران پرداخته‌اند. در هر سه تحقیق، تغییرات نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا (اوایل یا اواسط) دهه ۱۳۹۰ بررسی شده است با این حال بررسی به صورت گذرا و کلی بوده است. با توجه به مجموعه تحولات فراوان در بازه مورد اشاره، لازم است که دوره‌های زمانی کوتاه‌تر، اما با تحلیل‌های عمیق‌تر مطالعه شوند. بر این اساس در این تحقیق به صورت دقیق‌تر بر دوره انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی متمرکز شده است. این مطالعه به نوعی تداوم مطالعات اشاره شده، اما با تمرکز بر بازه زمانی مورد بررسی و بالطبع بررسی دقیق‌تر و مفصل‌تر است.

ساختار این مقابله به این صورت است که در بخش دوم مبانی نظری نظم اجتماعی، در بخش سوم در تجربه کشورهای خارجی به عنوان نمونه تجربه کره جنوبی (تجربه موفق) و مکزیک (تجربه ناموفق) ارائه شده و نشان داده شده که کشورها می‌توانند در دام تعادل اجتماعی محدود گرفتار شوند و یا اینکه می‌توانند از آن خارج شوند. همچنین در این بخش به اجمال مطالعات داخلی انجام شده در مورد ایران نیز ارائه می‌شود. در بخش چهارم نظم اجتماعی ایران در بازه زمانی ۱۳۵۷-۱۲۸۵ و در بخش پنجم جمع‌بندی مقاله ارائه شده است.

1- North, Wallis, and Weingast

2- Salehi Esfahani and Esra Gurakar

## ۲- مبانی نظری

مطابق تعریف، جوامع از طریق نظم اجتماعی نهادهایی ایجاد می‌کنند که از شکل‌های خاصی از سازمان‌ها حمایت می‌کنند. در واقع نهادها و سازمان‌ها بینان‌های نظم اجتماعی هستند. نهادها قواعد بازی هستند و سازمان‌ها از طریق نهادها ایجاد می‌شوند و تداوم می‌یابند. سازمان‌ها می‌توانند وابسته به هیات موسس و قائم به شخص باشند یا مستقل از هیات موسس و با هویت غیرشخصی اداره شوند. همچنین سازمان‌ها دارای طول عمر اندک یا طول عمر نامحدود<sup>۱</sup> هستند. نظم اجتماعی، نوع دسترسی به سازمان‌ها و نظام انگیزشی منتج از الگوی سازمانی را تعیین می‌کند (نورث، والیس و وینگاست ۲۰۰۹: ۱) و بر مبنای اینکه نظم اجتماعی از چه شکلی از سازمان حمایت می‌کند دو نوع نظم اجتماعی قابل بررسی است: نظم دسترسی محدود<sup>۲</sup> و نظم دسترسی باز<sup>۳</sup>.

### ۲-۱- ویژگی‌های نظم اجتماعی دسترسی باز و محدود

تفاوت نظم اجتماعی دسترسی باز و محدود در سازوکار مدیریت خشونت در جامعه ریشه دارد. در دسترسی محدود این سازوکار از طریق شکل‌گیری ائتلاف غالب از نخبگان انجام می‌گیرد. با توجه به اینکه نهادها قواعد شکل‌گیری سازمان‌ها و نظام انگیزشی آن‌ها را تعیین می‌کنند در نظم دسترسی محدود برای به دست آوردن حمایت نخبگان عضو ائتلاف غالب، نهادها (از جمله قوانین) به گونه‌ای ساماندهی می‌شوند که دسترسی به سازمان‌های اقتصادی و سیاسی فقط به اعضای نامبرده محدود شود. بر این اساس، افرادی که خارج از ائتلاف غالب هستند، نمی‌توانند سازمان ایجاد کنند و از طریق قانون و سایر نهادهای مرتبط دسترسی آن‌ها به سازمان‌ها محدود می‌شود یا اینکه اگر سازمانی ایجاد می‌کنند در نهایت تحت نظارت یکی از اعضای ائتلاف غالب قرار می‌گیرند. این وضعیت هم برای سازمان‌های اقتصادی مانند شرکت‌ها صادق است و هم برای سازمان‌های سیاسی مانند احزاب و مجلس و هم برای سازمان‌های نظامی در نتیجه فقط نخبگان عضو ائتلاف غالب می‌توانند حزب تاسیس کنند یا وارد مجلس شوند و بقیه هم از طریق قوانین و نهادهای

---

1- Perpetual Lived Organizations

2- limited Access Order

3- Open Access Order

مرتبط حق دسترسی به مجلس را پیدا نمی‌کنند. ائتلاف غالب از طریق نهادها، یک مزیت انحصاری دسترسی برای اعضای ائتلاف غالب هم در اقتصاد و هم در سیاست و هم در امنیت ایجاد می‌کند. در نتیجه این امر، نخبگان عضو ائتلاف غالب از بقای آن حمایت کرده، بخش نظامی نیز از آن منظر نظامی از این ائتلاف حمایت کرده و ائتلاف غالب نیز از طریق نهادها و قواعد از این نخبگان (شامل نخبگان نظامی) حمایت می‌کند. در واقع در این سازوکار به جای اینکه نخبگان و قدرتمندان سیاسی و اقتصادی و نظامی باهم درگیر شوند، هر کدام در این ائتلاف غالب شکل گرفته، منافع خود را پیگیری می‌کنند و خشونت کنترل و ساماندهی می‌شود.

این سازوکار ساماندهی خشونت باعث می‌شود که کسانی که در کنترل خشونت متخصص هستند (نظامیان) به همراه کسانی که در آموزش، تجارت، بهداشت، صنعت، دین، حقوق و... متخصص هستند، نخبگان ائتلاف غالب را تشکیل دهند و بر کل جامعه حکومت کنند. بر همین اساس در نظم اجتماعی دسترسی محدود، نظامیان هم در اقتصاد و هم در سیاست حضور دارند.

در مقابل در دسترسی باز، چهار لایه در تعامل با یکدیگر نظم اجتماعی را ایجاد می‌کنند. نیروهای نظامی خشونت را کنترل می‌کنند که لایه اول نظم اجتماعی دسترسی باز هستند. نیروهای نظامی توسط نظام سیاسی (لایه دوم نظم اجتماعی) کنترل می‌شوند. نظام سیاسی توسط نیروهای اقتصادی و نظام بازار آزاد و رقابتی (لایه سوم نظم اجتماعی) کنترل و نظارت می‌شود که لایه سوم نیز توسط جامعه مدنی و مردم (لایه چهارم) کنترل می‌شود. این لایه‌های چهارگانه در تعامل دائمی با یکدیگر هستند. در واقع در دسترسی باز، نیروهای نظامی در اقتصاد و سیاست دخالت نمی‌کنند، اما در دسترسی محدود نیروهای نظامی بخشی از ائتلاف غالب هستند که بر اقتصاد و سیاست حکمرانی می‌کنند.

نکته مهم آن است که هر دو نظم اجتماعی دسترسی محدود و دسترسی باز در تعادل هستند. در نظم اجتماعی دسترسی محدود اگر شوکی به سیستم وارد شود (مانند انقلاب یا کودتا)، ممکن است سیستم از تعادل خارج شود یا حتی اعضای ائتلاف غالب تغییر کنند، اما قواعد حکمرانی تغییر نمی‌کنند. نظم مسلط تاریخ بشر نظم دسترسی محدود است که

## تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۷۹

هم اکنون نیز در اکثر کشورهای دنیا وجود دارد، زیرا وضع طبیعی تاریخ بشریت در این نظم قرار دارد از این نظم به وضعیت طبیعی<sup>۱</sup> نیز تعبیر می‌شود (همان: ۲).  
مبنای تعادل در هر دو نوع نظم دسترسی محدود و باز، توازن دوگانه<sup>۲</sup> است (همان: ۲۰). هر نظم اجتماعی دو سیستم اقتصادی و سیاسی دارد و این دو سیستم نیز در تعادل هستند به این معنا که یا دسترسی به هر دو سیستم باز است و یا محدود. نامتناسب بودن سطح دسترسی به سیستم‌های اقتصادی و سیاسی دال بر عدم وجود توازن دوگانه است که نشان‌دهنده خروج از تعادل است و بازگشت به تعادل نیز در بلندمدت از طریق محدود شدن دسترسی در هر دو سیستم و یا حرکت به دسترسی باز در هر دو سیستم حاصل می‌شود (همان: ۲۰-۲۴).

توازن دوگانه یاد شده که هسته اصلی تعادل است از طریق سازوکار تخصیص رانت (مازاد) ایجاد می‌شود (همان: ۴۹-۵۰، و ۹۸-۱۰۰). در هر دو نظم اجتماعی دسترسی باز و بسته، رانت اقتصادی ایجاد می‌شود، اما مبنای ایجاد آن متفاوت است و این تفاوت، نتایج متفاوت بلندمدت رشد را به همراه دارد. در دسترسی محدود (وضعیت طبیعی)، عمده رانت توسط قدرت مرکزی ایجاد می‌شود و رانت‌ها تقریباً پایدار هستند. این مزیت انحصاری از طریق محدود کردن دسترسی به سازمان‌ها و شرکت‌های اقتصادی ایجاد و از طریق سیستم حقوقی نیز حفاظت می‌شوند. در این صورت این رانت‌ها پایدار می‌مانند (همان: ۴۹-۵۰).  
در واقع در نظم اجتماعی دسترسی محدود، شرکت‌های دولتی در عین حال که اقتصادی هستند، کارکرد سیاسی نیز دارند و به همین دلیل توسط نیروهای ائتلاف غالب کنترل می‌شوند و شرکت‌های خصوصی و بانک‌های خصوصی نیز در ابتدا توسط اعضای ائتلاف غالب ایجاد می‌شوند در حالی که در دسترسی باز رانت به صورت مداوم از طریق تخریب خلاقانه<sup>۳</sup> ایجاد می‌شود و به سرعت از بین می‌رود. در نظم دسترسی باز، هویت غیرشخصی سازمان‌ها و روابط غیرفردی منجر به شکل‌گیری بازارهای اقتصادی و سیاسی با دسترسی باز و غیرشخصی می‌شوند.

- 
- 1- Natural State
  - 2- Double Balance
  - 3- Creative Destruction

## ۲-۲- سه نوع نظم اجتماعی دسترسی محدود (وضعیت طبیعی)

نظم اجتماعی دسترسی محدود براساس نوع حمایت از سازمان‌ها به سه دسته شکننده<sup>۱</sup>، پایه<sup>۲</sup> و بالغ<sup>۳</sup> تقسیم می‌شوند (همان: ۴۱).

### ۲-۲-۱- در وضعیت طبیعی شکننده، سیاست عین اقتصاد و اقتصاد عین

سیاست است.

ائتلاف غالب در وضعیت طبیعی شکننده نمی‌توانند از هیچ سازمانی جز خود دولت حمایت کنند و به ندرت می‌توانند در مقابل شوک‌های درونی و بیرونی دوام بیاورند. ائتلاف موجود شکننده است و تغییرات اندک در موقعیت اعضاء ائتلاف می‌تواند به واژگونی ائتلاف منجر شود، شوک‌ها می‌توانند به آشوب و بالطبع ایجاد ائتلاف جدید منجر شوند (همان: ۴۲). در این حالت، هویت افراد عضو ائتلاف بسیار مهم است و چون قدرت اقتصادی می‌تواند بر ائتلاف موثر باشد، اقتصاد به نوبه خود سیاست نیز هست، منابع اقتصادی با منابع سیاسی و مزایای اقتصادی با فرآیند سیاسی عجین هستند.

### ۲-۲-۲- در وضعیت طبیعی پایه، نهادها به صورت نهادهای حقوق عمومی

بوده و سازمان‌ها به هیات موسس وابسته هستند.

وضعیت طبیعی پایه فقط از سازمان‌های متعلق به ائتلاف غالب حمایت می‌کند. در مقایسه با وضعیت طبیعی شکننده، وضعیت طبیعی پایه ساختار سازمانی پایدار و بادوام برای دولت فراهم می‌آورد و توانایی زیادی در خلق ترتیبات پایدار در سازمان‌های متعلق به دولت دارد.

نهادهای وضعیت طبیعی پایه بیشتر نهادهای حقوق عمومی هستند، راه‌حل‌های استاندارد برای مسایل تکرارشونده فراهم می‌کنند (انتخاب رهبر، عضویت نخبه، تعیین نرخ مالیات و...)، محیط مناسب برای ایجاد باورهای مشترک درباره رفتار نخبگان فراهم می‌کنند و شکل‌های سازمانی عمومی و خصوصی برای نخبگان عضو ائتلاف ایجاد می‌کنند

---

1- Fragile

2- Basic

3- Mature

## تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۸۱

(همان: ۴۰-۵۰). با این حال نهادهای حقوق عمومی وضعیت طبیعی پایه‌ای نمی‌توانند محیطی را فراهم کنند که در آن از سازمان‌های خصوصی خارج از دایره دولت حمایت شود. در این صورت جامعه مدنی قدرتمند نبوده و سازمان‌های اندکی (شاید هیچ) با دولت رقابت می‌کنند و تنها سازمان‌هایی که در ارتباط مستقیم با دولت هستند پایدار می‌مانند و ترتیبات اجتماعی به هویت موسس (یا موسسین) سازمان‌ها وابسته خواهد بود.

۲-۲-۳- در وضعیت طبیعی بالغ، هر دو نوع نهادهای حقوق عمومی و خصوصی وجود دارند و سازمان‌های مستقل از هیات موسس نیز به تدریج ایجاد می‌شوند.

وجود ساختارهای نهادی بادوام در دولت و توانایی حمایت از سازمان‌های نخبگان خارج از چارچوب دولت ویژگی وضعیت طبیعی بالغ است. وضعیت طبیعی بالغ می‌تواند سازمان‌های با عمر نامحدود را ایجاد و آن‌ها را حفاظت کند با این حال این نوع سازمان‌ها وجه غالب سازمان‌ها نیستند (همان ۴۷-۵۰). ترتیبات نهادی در هر دو حوزه حقوق عمومی و خصوصی بروز پیدا می‌کنند، ساختار نهادی وضعیت طبیعی بالغ از سازمان‌های خارج از دولت حمایت می‌کند (جدول (۱)) و سازمان‌های خصوصی و حقوق خصوصی باعث تقویت جامعه مدنی می‌شوند. ساختار سازمان‌ها از طریق نهادهای عمومی و خصوصی حمایت می‌شود و وجود شکل خاص از حاکمیت قانون<sup>۱</sup> در سازمان‌های خصوصی و عمومی، سازمان‌ها را از مصادره شدن حفاظت می‌کند و این امر به نوبه خود به سیستم حقوقی مدیریت‌کننده قراردادها نیاز دارد. این نوع نقش قانون در وضعیت طبیعی پایه شکل نمی‌گیرد، چراکه مزایا بین نخبگان توزیع می‌شود.

۸۲ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۸

جدول (۱): مقایسه انواع نظم اجتماعی دسترسی محدود (وضعیت طبیعی)

وضعیت طبیعی بالغ	وضعیت طبیعی پایه	وضعیت طبیعی شکننده	برخی از مولفه‌ها
نهادهای حقوق عمومی توسط دولت ایجاد می‌شوند.	نهادهای حقوق عمومی توسط دولت ایجاد می‌شوند.	بسیار ضعیف و بقای دولت نیز با چالش روبه‌رو است.	سازمان‌ها و نهادهای عمومی (شامل قوانین و رویه‌ها، و شرکت‌های دولتی، احزاب سیاسی دولت‌ساز)
نهادهای سازمان‌های خصوصی مستقل از ائتلاف غالب نیز وجود دارد با این حال سهم عمده در اختیار نهادهای سازمان‌های خصوصی وابسته به ائتلاف غالب است.	نهادهای سازمان‌های خصوصی وابسته به ائتلاف غالب وجود دارد.	وجود ندارد.	سازمان‌ها و نهادهای خصوصی (شامل قوانین و رویه‌های حامی بخش خصوصی، شرکت‌های خصوصی، احزاب و گروه‌های سیاسی مستقل از دولت)
متوسط	زیاد	شدید (سیاست عین اقتصاد است و عین سیاست)	میزان تأثیرپذیری اقتصاد و سیاست از یکدیگر
هر دو نوع محدود و نامحدود وجود دارند.	محدود	محدود	طول عمر سازمان‌ها
اکثراً وابسته و بعضی از سازمان‌ها مستقل از هیات موسس	وابسته	وابسته کامل	درجه استقلال سازمان‌ها از هیات موسس

منبع: تحقیق حاضر، استخراج شده از نورث، والیس و وینگاست (۲۰۰۹)

۲-۳- شرایط آستانه‌ای گذار از دسترسی محدود به باز

تاکنون تعداد اندکی از کشورها از نظام دسترسی محدود به نظام دسترسی باز انتقال یافته‌اند. سازوکار انتقال باید به گونه‌ای باشد که در نقطه شروع با منطق وضعیت طبیعی سازگار باشد و انتقال زمانی آغاز می‌شود که منافع نخبگان به سمت ترتیبات غیرشخصی (میان نخبگان) حرکت کند. نورث، والیس و وینگاست، شرایط گذار را شرایط آستانه‌ای<sup>۱</sup> نامیده‌اند (همان: ۲۵-۲۷). سه شرط آستانه‌ای عبارتند از: ۱- حاکمیت قانون برای نخبگان ۲- سازمان‌های خصوصی و عمومی با عمر نامحدود و ۳- کنترل سیاسی نظامیان (همان). شرط اول محدوده قراردادهای منعقد شده میان نخبگان را گسترش می‌دهد. شرط دوم هویت غیرشخصی فراهم کرده و سازمان‌هایی ایجاد می‌کند که فعالیت آن‌ها از سازمان‌هایی که



### تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۸۳

عمر نامحدود ندارند، بیشتر است و شرط سوم «نیاز فرادستان به ارتباط با بخش‌های نظامی را از بین می‌برد.» (همان).

### ۳- مطالعات پیشین

همانطور که در مقدمه بیان شد از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ تجربه کشورهای فرانسه، انگلستان، آمریکا، بنگلادش، کنگو، زامبیا و موزامبیک، فیلیپین، هند، مکزیک، شیلی و کره جنوبی از نظر نظم اجتماعی مطالعه شده‌اند.

در زیربخش اول مطالعات پیشین به تجربه کشورهای کره جنوبی و مکزیک متمرکز شده است. تجربه کشور کره جنوبی از این نظر ارائه شده است که مردم ایران در مقایسه حافظه تاریخی خود مکرر به تجربه کره جنوبی رجوع می‌کنند. در اینجا به اجمال نشان داده شده که چگونه کره جنوبی از دوره جنگ جهانی دوم به بعد توانست از نظم اجتماعی دسترسی محدود به نظم اجتماعی دسترسی باز گذار کند. همچنین تجربه کشور مکزیک نشان می‌دهد که هیچ قطعیت تاریخی برای حرکت از نظم اجتماعی دسترسی محدود به باز وجود ندارد و این کشور در حالی که در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در مرحله بالغ از نظم اجتماعی دسترسی محدود قرار داشته و فاصله چندانی با کشورهای آمریکا، فرانسه و انگلیس نداشته، اما نتوانسته است گذار موفق به نظم اجتماعی دسترسی باز داشته باشد و با اینکه در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ دوباره کشور در شرایط دسترسی محدود بالغ و شرایط گذار بوده، اما باز هم نتوانسته است به نظم اجتماعی دسترسی باز حرکت کند.

در زیربخش دوم مقاله نیز مطالعه صالحی اصفهانی و گوراکار (۲۰۱۳)، رنانی (۱۳۹۵) و زمانی (۱۳۹۲) به اجمال ارائه شده است.

### ۳-۱- مطالعات خارجی

#### ۳-۱-۱- تجربه کشور کره جنوبی

از منظر نظم اجتماعی، کره جنوبی چند نقطه عطف تاریخی داشته است. سونگ یو (۱۳۹۵) اولین نقطه عطف تاریخی کره جنوبی بعد از جنگ جهانی دوم را اصلاحات ارضی می‌داند که از نظر ایشان این اصلاحات بنیان اصلی ارتقای تدریجی نظم اجتماعی در کره جنوبی است. نقطه عطف بعدی از نظر سونگ یو، انقلاب دموکراتیک دانشجویی سال ۱۹۶۰ است. وی همچنین گسترش دموکراتیک اوایل دهه ۱۹۷۰ و بحران مالی ۱۹۹۷ را نیز دیگر نقاط عطف می‌داند. در مطالعه سونگ یو دوره زمانی ۱۹۴۸-۱۹۴۵ به عنوان دوره نظم اجتماعی دسترسی محدود شکننده در نظر گرفته شده است که سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم است. دوره ۱۹۶۰-۱۹۴۸ دوره نظم اجتماعی دسترسی محدود پایه، دوره ۱۹۶۰-۱۹۸۷ دوره نظم اجتماعی دسترسی محدود پایه/بالغ، دوره ۱۹۹۷-۱۹۸۷ دوره دسترسی محدود بالغ با شرایط آستانه‌ای و سال‌های ۱۹۹۷ به بعد دوره دسترسی باز در نظر گرفته شده است (سونگ یو، ۱۳۹۵: ۴۶۷).

در اغلب مطالعات کره جنوبی به نقش پارک چونگ هی در استقرار بوروکراسی خودمختار و شایسته و دولت توسعه‌گرا در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تاکید دارند (همان، ص ۴۴۸، برگرفته از هاگارد، ۱۹۹۰). دلیل این امر نیز صنعتی‌سازی صادرات محور توسط حکومت پارک چونگ هی بوده است. با این حال سونگ یو بیشتر بر شرایط پیشینی دوره پارک تاکید دارد که از اصلاحات ارضی ناشی شده و ریشه اصلاحات ارضی نیز وجود دشمن قوی و رقیب (کره شمالی) است که برای کاهش قدرت زمیندارانی که طرفدار ژاپنی‌های استعمارگر بودند و همچنین جلوگیری از نفوذ کمونیسم انجام گرفته است. اصلاحات ارضی موفق در دهه ۱۹۵۰ زمینه کاهش نابرابری و افزایش سرمایه انسانی را در کره جنوبی ایجاد کرد که پایه دوره صنعتی صادرات‌گرا نیز وجود نیروی انسانی متناسب و توانمند بوده است.

در سال ۱۹۶۰ به صورت موقت یک گشایش سیاسی در کره جنوبی اتفاق افتاد که در این سال اعتراضات جنبش دانشجویی نیز اتفاق افتاد، اما در سال ۱۹۶۱ کودتای نظامی در این کشور شکل گرفت و پارک چونگ هی به قدرت رسید. در سال‌های ۱۹۶۰-۱۹۸۰

نظامیان استراتژی دولت توسعه‌گرا را در دستور کار قرار دادند. در کنار توسعه اقتصادی از طریق صنعتی‌سازی، تقاضای مردم برای دموکراسی افزایش یافت و اعتراضات دانشجویی سال ۱۹۶۰ بر این امر تاثیرگذار بوده‌اند. با این حال در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ حاکمیت سیاسی در اختیار نظامیان بود یا اینکه اگر غیرنظامی حاکم بود، عمده رهبری حزب و دولت در اختیار نظامیان بوده است. در سال ۱۹۷۹ پارک چوونگ هی نظامی ترور شد و همانند سال ۱۹۶۰ به صورت موقت گشایش دموکراتیک شکل گرفت، اما مشابه سال ۱۹۶۰ این وضعیت فقط برای یک سال دوام داشت و دوباره نظامیان (به رهبری ژنرال چون دو-هوان در سال ۱۹۸۰) از طریق کودتا قدرت را در اختیار گرفتند. در دهه ۱۹۸۰ دوباره جنبش‌های دانشجویی قوت گرفتند، اما برخلاف جنبش‌های دانشجویی دهه ۱۹۶۰ که روش‌های مسالمت‌آمیز داشتند به روش‌های غیرمسالمت‌آمیز (مانند استفاده از کوکتل مولوتوف) نیز روی آوردند. در نهایت در سال ۱۹۸۷ تظاهرات گسترده مردم و طبقه متوسط باعث شد که شرایط انتخاب مستقیم رییس‌جمهور توسط مردم در کشور کره جنوبی فراهم شود. این امر به تدریج شرایط را برای گذار از دسترسی محدود به باز فراهم کرد.

در بازه زمانی ۱۹۶۰-۱۹۸۷ که نظامیان از طریق کودتا به قدرت رسیدند و از طریق کنترل فرآیندهای سیاسی در قدرت بودند برای کمبود مشروعیت خود به سراغ استراتژی توسعه صنعتی رفتند. با این حال این استراتژی در چارچوب نظم اجتماعی دسترسی محدود بود به گونه‌ای که غالب رانت‌های اقتصادی به طرفداران حکومت داده می‌شد. تخصیص وام‌های داخلی با نرخ‌های بهره پایین، ممانعت از ورود شرکت‌های جدید به صنایع انحصاری، تخصیص اعتبارات ارزان قیمت به شرکت‌های حامی ائتلاف غالب در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ مانند صنایع سنگین و صنایع پتروشیمی از جمله آن‌ها بودند. در نتیجه این امر چابول‌ها<sup>۱</sup> در کره جنوبی به سرعت گسترش یافتند و به اندازه‌ای بزرگ شدند که تصور نمی‌شد ورشکست شوند و اگر ورشکست نیز می‌شدند، مسئولیت آن‌ها برعهده دولت بود.

---

۱- چابول‌ها در واقع همانند شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیرانتفاعی در ایران هستند که با استفاده از حمایت ائتلاف غالب در کشور کره جنوبی ایجاد شده و قدرت گرفتن و رشد آن‌ها نیز مدیون حمایت دولت بوده است. هرچند که سازوکار حمایت کره جنوبی از این شرکت‌ها متفاوت از ایران بوده است. در واقع در کره جنوبی حمایت به صورت مشروط بوده و در صورت تحقق برخی اهداف دولت، این حمایت تداوم می‌یافته است.

در واقع رانت‌های سه‌جانبه دولت، بانک‌ها و چابول‌ها در کره جنوبی شکل گرفته بود. وام‌های سنگین بانک‌ها به چابول‌ها اعطا می‌شد و چابول‌ها از طریق ارتباط با دولت ضمن شکل‌گیری توسعه اقتصادی زمینه‌های مشروعیت دولت را فراهم می‌کردند و دولت‌مردان نیز با چابول‌ها در ارتباط بودند. تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت، مجوزهای واردات، مجوزهای ارزی و سایر مجوزهای دسترسی در این دوره فراوان بودند تا بتوانند از طریق این مجوزها، بقای ائتلاف غالب را تضمین و در عین حال از طریق حامیان و چابول‌های برآمده از حکومت، مشروعیت اقتصادی فراهم کنند.

از سال ۱۹۸۷ آزادسازی تدریجی در دستور کار قرار گرفت و قانون کنترل انحصار و تجارت منصفانه نیز تصویب شد هرچند که در عمل به اجرا نرسید. همچنین تقویت حاکمیت قانون و گسترش سازمان‌های جامعه مدنی در این مقطع انجام گرفت. گشایش سیاسی در سال ۱۹۸۷ منجر به تغییر مسیر کشور کره جنوبی به سمت دسترسی باز شد در حالی که در سال ۱۹۶۰ و ۱۹۷۹ نیز دوبار گشایش سیاسی در کشور شکل گرفته بود، اما در هر دو بار در نهایت نظامیان از طریق کودتا به قدرت رسیده بودند. پس از این گشایش سیاسی در همان سال‌های اولیه نهادهای مدنی قوی در کره جنوبی شکل گرفتند که بسیاری از آن‌ها همچنان فعال هستند. گشایش سیاسی در عین حال تقاضاهای متعددی برای گشایش‌های اقتصادی در پی داشت تا بتوانند قدرت‌های انحصاری چابول‌ها را کاهش دهند. کاهش حمایت‌های سیاسی از چابول‌ها در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در دستور کار برخی از روسای جمهور قرار گرفت، اما در عمل موفقیت چندانی به دست نیامد. بر همین اساس وقتی که بحران مالی ۱۹۹۷ شکل گرفت بسیاری از چابول‌ها (از جمله شرکت دوو) به مرز ورشکستگی رسیدند.

بحران مالی ۱۹۹۷ یک بحران بزرگ و به نوعی آزمون برای کره جنوبی بود. پاسخ به این بحران دو حالت داشت: بازگشت به دولت توسعه‌گرای مقتدر دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ یا تداوم مسیر دولت‌های جدید توسعه‌گرای لیبرال. یک سال پس از بحران مالی (۱۹۹۸)، مردم کره جنوبی، دانه جونگ را که مدت زمانی رهبر مخالفان سیاسی بود به ریاست جمهوری برگزیدند. کیم دانه جونگ، استراتژی توسعه موازی دموکراسی و اقتصاد بازار را در دستور کار خود قرار داد (همان: ۴۶۹). سپس در سال ۲۰۰۸ قدرت از لیبرال‌ها به محافظه‌کاران رسید. در واقع چرخش قدرت از نظامیان و محافظه‌کاران در سال ۱۹۹۸ به

## تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۸۷

لیبرال‌ها و چرخش مجدد قدرت از لیبرال‌ها به محافظه‌کاران در سال ۲۰۰۸ نشان از چرخش‌های مداوم قدرت در کره جنوبی دارد. با تحکیم دموکراسی شرایط در کشور کره جنوبی به گونه‌ای است که در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ رییس‌جمهور کره جنوبی که دختر ژنرال پارک چونگ‌هی (رییس‌جمهور دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰) است پس از استیضاح و بدون شکل‌گیری کودتای نظامی یا اپوزیسیون قدرتمند از قدرت برکنار شد. طی سال‌های ۱۹۹۷ به بعد اصلاح نظام مالی چابول‌ها در دستور کار بوده است به گونه‌ای که این شرکت‌ها به جای رانت‌های دسترسی محدود به سمت رانت‌های نوآوری و خلاقیت حرکت کرده‌اند و در عین حال زمینه‌های شکل‌گیری شرکت‌های جدید نیز فراهم شده است بر همین اساس است که به عنوان مثال، الان شرکت‌های سامسونگ و ال‌جی از شرکت‌های پیشرو در امر نوآوری در دنیا هستند. در کنار آن آزادسازی اقتصادی و کنترل فساد نیز در دستور کار بوده است که آخرین مورد آن استیضاح رییس‌جمهور پارک بوده است در حالی که در دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ به دلیل حاکم بودن نظم اجتماعی دسترسی محدود و همچنین اعطای مزایای ائتلاف غالب، سطح فساد در کره جنوبی همانند غالب کشورهای در حال توسعه در سطح بالایی بوده است.

جدول (۲): روند تحول نظم اجتماعی کره جنوبی از جنگ جهانی دوم تاکنون

دوره تاریخی	نوع نظم اجتماعی
۱۹۴۵-۱۹۴۸	دسترسی محدود شکننده
۱۹۴۸-۱۹۶۰	دسترسی محدود پایه
۱۹۶۰-۱۹۸۷	دسترسی محدود پایه / بالغ
۱۹۸۷-۱۹۹۷	دسترسی محدود بالغ در شرایط آستانه‌ای گذار
۱۹۹۷ تاکنون	گذار به دسترسی باز

منبع: سونگ یو، جونگ (۱۳۹۴)، در نورث، والیس، وب و وینگاست (۱۳۹۴)

### ۳-۱-۲- تجربه مکزیک

کشورهای آمریکای لاتین و آمریکای جنوبی از جمله کشورهایی هستند که فراز و فرود فراوانی در توسعه داشته‌اند. به عنوان مثال، در نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم کشورهایی مانند آرژانتین و مکزیک در زمره کشورهایی بودند که به صورت نسبی درآمد

سرانه بالایی داشتند. از منظر نظم اجتماعی نیز این کشورها با اینکه در نظم اجتماعی دسترسی محدود بودند، اما در مرحله بالغ قرار داشتند. در قرن بیستم این کشورها نه تنها نتوانستند به دسترسی باز دست پیدا کنند، بلکه در مواقعی حتی به مرحله شکنندگی نیز رسیدند. همچنین در نیمه دوم قرن بیستم این کشورها از سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول به صوت کامل پیروی کردند، اما به جای موفقیت دهه‌های سوخته ۱۹۹۷۰ و ۱۹۸۰ را تجربه کردند (رودریک، ۲۰۰۵) در حالی که برخی از کشورهای جنوب شرق آسیا مسیرهای معجزه‌آسایی را طی کردند.

مکزیک در بازه زمانی ۱۹۱۰-۱۸۷۴ در دسترسی محدود از نوع بالغ قرار داشت و طبیعی است که انتظار می‌رفت به تدریج پس از طی مراحل گذار به دسترسی باز دست پیدا کند. در این دوره این کشور به سطحی از توسعه دست یافته بود که ضمن اینکه از قوانین مدنی متنوعی برخوردار بود قوانین مدونی نیز برای شرکت‌های بخش خصوصی داشت که آن‌ها را از مصادره یا از بین بردن حقوق مالکیت محافظت می‌کرد. در این شرایط مکزیک وارد مرحله انقلاب شد (بازه زمانی ۱۹۱۷-۱۹۱۰). انقلابیون در واقع دنبال دست یافتن به دسترسی باز در بازه زمانی کمتر بودند و شعارها و خواسته‌های آن‌ها عدالت اجتماعی و فرصت‌های برابر بود، اما در عمل به تدریج سطح دسترسی‌های سیاسی در کشور محدود شد. در این میان که کشور در انقلاب قرار داشت یک رونق نفتی نیز تجربه شد (بازه زمانی ۱۹۲۹-۱۹۱۴). رونق نفتی و شرایط انقلاب در کنار هم باعث شد که کشور به جای حرکت سریع‌تر به سمت دسترسی باز به سطح دسترسی محدود شکننده سقوط کند. در نتیجه این شرایط یک نظام تک حزبی در مکزیک با نام حزب انقلاب نهادی حاکم شد که در بازه زمانی ۲۰۰۰-۱۹۲۹ (حدود ۷۰ سال) بر مکزیک مسلط بود (دیاس کایروس، ۱۳۹۵: ۳۶۴). در این دوره ۷۰ ساله دوباره مکزیک به تدریج از دسترسی محدود شکننده به بالغ حرکت کرد و در بازه زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۰ این کشور در شرایط آستانه‌ای ورود به نظم اجتماعی دسترسی باز قرار داشت که دوباره از سال ۲۰۰۶ به شرایط دسترسی محدود پایه سقوط کرد به گونه‌ای که رقابت‌های حزبی شکننده، فساد فراوان، شورش قاچاقچی‌های مواد مخدر و صنایع انحصاری در اختیار ائتلاف غالب از جمله ویژگی‌های این کشور است.

## تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۸۹

جدول (۳): روند تحول نظم اجتماعی مکزیکی از نیمه دوم قرن نوزدهم تاکنون

بازه زمانی	نوع نظم اجتماعی
۱۸۷۴-۱۹۱۰	دسترسی محدود بالغ
۱۹۱۰-۱۹۱۷	دسترسی محدود شکننده
۱۹۱۸-۱۹۲۸	دسترسی محدود پایه
۱۹۲۹-۱۹۶۹	دسترسی محدود پایه
۱۹۷۰-۱۹۸۹	دسترسی محدود بالغ
۱۹۹۰-۲۰۰۶	دسترسی محدود بالغ در شرایط آستانه‌ای ورود به دسترسی باز
۲۰۰۶ تاکنون	نظم اجتماعی دسترسی محدود پایه

منبع: دیاس کایروس (۱۳۹۴) در نورث، والیس، وب و وینگاست (۱۳۹۴)

### ۳-۲- مطالعات داخلی

مطالعات زیادی درباره ساختار اقتصادی و سیاسی ایران انجام گرفته است. کارشناس (۱۳۸۲)، کاتوزیان (۱۳۸۷)، آبراهامیان (۱۳۸۹) و فوران (۱۳۸۰) به عنوان نمونه هریک از منظر و رهیافت تئوریک خود شرایط ایران را مطالعه کرده است. هر کدام از این مطالعات به نوعی بخشی از شرایط نظم اجتماعی حاکم بر ایران را پوشش داده‌اند، اما به دلیل اینکه رهیافت نظم اجتماعی یک رهیافت متاخر است، لازم است از منظر رهیافت نظم اجتماعی، شرایط اقتصادی و سیاسی ایران مطالعه شود.

مبتنی شرایط ایران در چارچوب نظم اجتماعی، هنوز در دوران آغازین خود قرار دارد. زمانی (۱۳۹۲)، صالحی اصفهانی و گوراکار (۲۰۱۵) و رنانی (۱۳۹۵) به عنوان سه نمونه مطالعه اولیه در اینجا به صورت اجمالی بررسی شده است. ویژگی هر سه مطالعه آن است که برای بازه زمانی یک قرن یا بیشتر انجام گرفته است.

زمانی (۱۳۹۲) اولین مطالعه ایران مبتنی بر رهیافت نظم اجتماعی را انجام داده است. ایشان در تحلیل توسعه ایران مبتنی بر نظم اجتماعی بر برخی از محورهای اقتصادی مانند شرکت های دولتی و خصوصی سازی تمرکز کرده و این محورها را براساس رهیافت نظم اجتماعی تحلیل کرده است. زمانی (۱۳۹۲) نشان داده است که چگونه ائتلاف غالب بر شکل گیری و تداوم شرکت های دولتی و همچنین فرآیند خصوصی سازی تاثیر گذار بوده است. همچنین به صورت اجمالی فرآیند تاریخی تغییرات نظم اجتماعی ایران از انقلاب

مشروطه تا اوایل دهه ۱۳۹۰ را بررسی کرده و نشان داده است که در دوره رضاشاه ابتدا وضعیت نظم اجتماعی ایران بهبود یافته، اما در دهه ۱۳۱۰ به دلیل سرکوب و قتل بسیاری از ذی‌نفوذهای سیاسی و نظامیان، مخالفت با رضاشاه به تدریج در کشور افزایش یافته است. همانند صالحی اصفهانی و سویکر (۲۰۱۴) و زمانی (۱۳۹۵) در مطالعه زمانی (۱۳۹۲) دوره‌های شکنندگی نظم اجتماعی ایران بعد از انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفته است.

صالحی اصفهانی و سویکر (۲۰۱۴)، نظم اجتماعی ایران از اوایل قرن بیستم تاکنون را مطالعه و مبتنی بر آن عملکرد اقتصادی را تحلیل کرده‌اند. همچنین در این مقاله، عملکرد ایران با کشور ترکیه مقایسه شده است. آن‌ها تحلیل کرده‌اند که نوع نظم اجتماعی ایران در این دوره زمانی، نظم اجتماعی دسترسی محدود پایه<sup>۱</sup> بوده است و تحلیل کرده‌اند که با وجود تغییرات گسترده در کشور، این تغییرات نتوانسته‌اند از توسعه قوانین غیرشخصی و سازمان‌های خصوصی مستقل حمایت کنند. در مقابل آن‌ها تحلیل می‌کنند که تعامل ترکیه با اتحادیه اروپا باعث شده است که تا حدی قوانین غیر شخصی و سازمان خصوصی مستقل ایجاد و تقویت شده‌اند.

آن‌ها تحلیل می‌کنند که در دوره قبل از کودتای رضا شاه، نظم اجتماعی شکننده حاکم بوده و بعد از آن به تدریج با تشکیل دولت مرکزی و بهبود شرایط اقتصادی در دهه‌های ۱۳۰۰ و ۱۳۱۰ شمسی شرایط بهتر شده است. پس از اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ باز شرایط ایران ناپایدار شده، اما پس از کودتای ۱۳۳۲ به تدریج با تقویت شرایط اقتصادی دوباره نظم اجتماعی دسترسی محدود پایه‌ای شکل گرفته است.

آن‌ها در بررسی دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز تحلیل کرده‌اند که باز هم نظم اجتماعی دسترسی محدود بر کشور حاکم شده با وجود اینکه در زمان انقلاب شعار آزادی و برابری وجود داشته است. آن‌ها تحلیل می‌کنند که ترکیه در قرن بیستم به سمت دسترسی محدود بالغ حرکت کرده است؛ هر چند که در اوایل قرن بیستم شرایط مشابهی با ایران داشته است.



#### تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۹۱

رنانی (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «نظم شکن در شکن» به اختصار به موضوع نظم اجتماعی ایران پرداخته است. ایشان حکومت های ایران پیش از مشروطیت را دسترسی محدود شکننده قلمداد کرده که پس از استقرار بلند مدت یک سلسله کم کم به سوی نظام دسترسی محدود پایه حرکت کرده اند. ایشان بیان می کنند که به دلیل حاکم بودن نظام استبدادی هیچ کدام از سلسله های حکومت ها نتوانسته اند به دسترسی محدود بالغ حرکت کنند.

از نظر ایشان انقلاب مشروطه حاصل استقرار بلند مدت نظام دسترسی محدود شکننده بوده است (همان، ص ۱۰) که با ظهور رضاشاه به سمت پایه حرکت کرده، اما در نیمه دوم حکمرانی رضاشاه، خود رضاشاه مانع از حرکت از دسترسی محدود و پایه به بالغ بوده است. برای دوره پس از رضاشاه ایشان تحلیل می کنند که در کشور ایران، ظرفیت حرکت به سمت نظم دسترسی محدود بالغ وجود داشته، اما دخالت ساواک و حذف نیروهای رقیب باعث شد که کشور باز هم نتواند به نظم اجتماعی دسترسی محدود بالغ حرکت کند. ایشان دوره بعد از انقلاب تا دوره قبل از انتخابات مجلس هفتم را تلاش برای حرکت به سمت بالغ دانسته، اما پس از این مجلس و سپس در اواخر دهه ۱۳۸۰ ایران حتی از شرایط پایه نیز دور شده و پیش بینی ایشان در این مقاله آن است که کشور ممکن است در سال ۱۳۹۶ (سال انتخابات ریاست جمهوری) دوباره وارد نظم اجتماعی شکننده شود که آن را احتمال وقوع «نظم شکن در شکن» قلمداد کرده است.

#### ۴- نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی (۱۲۸۵-۱۳۵۷)

برای مطالعه نظم اجتماعی ایران، بازه زمانی ۱۲۸۵ تا ۱۳۵۷ به مقاطع تاریخی جزئی تر تقسیم شده است. شروع هر مقطع تاریخی بیشتر سیاسی است تا اقتصادی، اما کنش متقابل اقتصاد و سیاست در هر مقطع کاملاً ملموس است به گونه ای که به عنوان نمونه در دوره هایی که ناامنی بوده رشد اقتصادی پایین بوده است یا در دوره هایی که دسترسی سیاسی محدود شده برای یک بازه زمانی رشد اقتصادی به دست آمده، اما تداوم آن با مشکل روبه رو شده است. انقلاب مشروطه (۱۲۸۵)، کودتای ۱۲۹۹، تغییر رژیم از قاجاریه به پهلوی (۱۳۰۵)، کودتای ۱۳۳۲، شوک نفتی ۱۳۵۱ و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ مواردی هستند که به وضوح تاثیر آن ها مشخص است. در این مقاطع نوع نظم اجتماعی ایران تغییر

یافته است. علاوه بر این موارد، در این مقاله سال‌های ۱۳۲۶ و ۱۳۴۲ نیز به عنوان بازه زمانی موثر در تغییر نوع نظم اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند، چراکه از سال ۱۳۲۰-۱۳۲۵ کشور در وضعیت شکننده قرار داشت و از سال ۱۳۲۶ شرایط تغییر یافت. در سال ۱۳۴۲ نیز دوره تثبیت ائتلاف غالب بوده که در پی آن دهه طلایی رشد اقتصادی به وقوع پیوسته است. روش انجام پژوهش تحلیلی-تاریخی است. داده‌های تحقیق به صورت کتابخانه‌ای (از طریق استخراج از متون اقتصادی و سیاسی و همچنین بانک‌های اطلاعاتی مرتبط) استخراج شده‌اند. روش شناسایی دوره‌ها نیز بر اساس انطباق شرایط اقتصادی و سیاسی ایران با شرایط نظم اجتماعی ارائه شده در مبانی نظری است. بر همین اساس، مولفه‌های وضعیت طبیعی شکننده، پایه، بالغ و شرایط آستانه‌ای گذار از دسترسی محدود به باز در ایران بین دو انقلاب مبتنی بر منابع اشاره شده، شناسایی شده‌اند. در واقع در عین حال که در بررسی تاریخی شرایط اقتصادی و سیاسی ایران مورد توجه بوده، مولفه‌هایی مدنظر تحقیق بوده‌اند که با مولفه‌های وضعیت‌های سه‌گانه شکننده، پایه و بالغ و همچنین شرایط آستانه‌ای سازگار باشند.

۴-۱- انقلاب مشروطه ۱۲۸۵ تا کودتای ۱۲۹۹: دوره وضعیت طبیعی شکننده در چارچوب رهیافت نظم اجتماعی، خواسته‌های انقلابیون مشروطه دستیابی به نظم اجتماعی دسترسی باز بوده است<sup>۱</sup> که در آن همه در مقابل قانون برابر هستند و مبنای شکل‌گیری رانت‌ها نیز خلاقیت و نوآوری و رانت‌های شومپتری است.<sup>۲</sup> با این حال سازوکار تحقق این خواسته‌ها در عمل به گونه‌ای بود که کشور نه تنها نتوانست به نظم اجتماعی دسترسی باز برسد، بلکه مجدد در شرایط نظم اجتماعی دسترسی محدود شکننده قرار گرفت. در این چارچوب، دوره انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ دوره‌ای بوده که بی‌ثباتی سیاسی بر آن حاکم بوده است که تأثیر جنگ جهانی اول، ابهام قانون اساسی در

---

۱- کنترل سیاسی نظامیان، کنترل دربار و شاه و تامین بودجه آن‌ها با نظارت مجلس، نظارت مردم بر دولت، شکل‌گیری فرصت‌های برابر برای همه، نظارت بر مالیه عمومی از جمله این خواسته‌ها هستند (مقدمه اولین بودجه سالیانه کل کشور، ۱۲۰۸).

۲- برای بررسی اهداف انقلابیون مشروطه به کتاب‌های آبراهامیان (۱۳۸۹) و کانونیان (۱۳۸۷) مراجعه شود.

### تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۹۳

تفکیک قوا، ضعیف تر شدن دولت مرکزی و رقابت‌های دائمی میان گروه‌های سیاسی از جمله عوامل این بی‌ثباتی سیاسی بوده است (آبراهامیان، ۱۳۸۹، فصل دوم). بر همین اساس، این دوره، دوره نظم اجتماعی شکننده بوده است. اتفاقاً تجربه ایران در این زمینه مشابه تجربه مکزیک است. ایران در سال ۱۹۰۶ میلادی (۱۲۸۵ شمسی) انقلاب مشروطه داشته و تا سال ۱۹۲۱ میلادی (۱۲۹۹ شمسی) که کودتا شد در دوره انقلاب قرار داشته است. دوره انقلاب مکزیک چهار سال دیرتر از ایران شروع شده (۱۹۱۰ میلادی معادل ۱۲۸۹ شمسی) و تا ۱۹۱۷ میلادی (معادل ۱۲۹۶ شمسی) تداوم یافته است. هدف انقلاب مشروطه ایران و انقلاب مکزیک دستیابی به نظم اجتماعی دسترسی باز بود، اما هر دو در این میان نتوانستند به این هدف دست یابند و در دام وضعیت طبیعی شکننده گرفتار شدند.

#### ۴-۲- دوره ۱۳۰۵-۱۲۹۹: دوره گذار از وضعیت طبیعی شکننده به پایه

به دلیل ناامنی حاکم بر کشور، تقریباً تمام سیاسیون (از جمله مصدق و مدرس) از شکل‌گیری کودتای ۱۲۹۹ برای بازگشت امنیت حمایت کردند. پس از شکل‌گیری کودتا، افزایش قدرت دولت مرکزی و پیگیری خواسته‌های جنبش مشروطه دو دستور کار اصلی بودند که هر کدام توسط برخی از گروه‌های سیاسی پیگیری می‌شد. از منظر رهیافت نظم اجتماعی، بخش اصلی ائتلاف غالب (شامل رضاخان، ارتش و گروه متجدد) از طریق دخالت در انتخابات به تدریج مجلس را در اختیار گرفتند. بر این اساس، انتخابات مجلس دوره پنجم از طریق دخالت آشکار ارتش در آن به نفع دولت (نخست وزیر) تمام شد. در مجلس بعدی، شاه نقش اساسی در آن ایفا کرد و توازن قوا که در قانون اساسی مشروطه در نظر گرفته شده بود از بین رفت (کاتوزیان، ۱۳۸۷، بخش دوم).

در حوزه اقتصاد نیز به تدریج چشم‌انداز مثبت نسبت به شکل‌گیری امنیت اقتصادی در کشور حاصل شد. در شرایطی که ویژگی اقتصاد در دوره انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹، رکود اقتصادی به همراه کسری تجاری، فحطی‌های کالای اساسی و تداوم ساختار ناکارآمد تجاری و صنعتی ایجاد شده در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی بود در دوره ۱۳۰۵ - ۱۲۹۹ به تدریج امنیت در انجام مبادلات به دلیل کاهش آشوب‌های داخلی، جنگ‌های داخلی و افزایش قدرت دولت مرکزی افزایش یافت. در این دوره، چشم‌انداز خروج از

رکود اقتصادی به تدریج به وقوع پیوسته است هر چند که در عمل اقتصاد همچنان با مشکلات حاد اقتصادی روبه‌رو بوده است (همان). در مجموع شرایط نظم اجتماعی در حال گذار از وضعیت طبیعی شکننده به وضعیت طبیعی پایه بوده است.  
جدول (۴): نظم اجتماعی از کودتای رضاخان تا تغییر رژیم سیاسی (۱۳۰۵-۱۲۹۹)

سطح سیستم اقتصادی و سیاسی: در حال گذار از وضعیت طبیعی شکننده به وضعیت طبیعی پایه	
شرایط اقتصادی:	شرایط سیاسی:
* تغییر کسری تراز تجاری به مازاد تجاری	* افزایش امنیت داخلی و افزایش قدرت دولت مرکزی
* کاهش هزینه مبادله در کشور	* وجود ستیز دایمی میان گروه‌های گوناگون برای کسب قدرت
* شکل‌گیری چشم انداز خروج کشور از شرایط بحرانی	* استفاده از ارتش برای کنترل انتخابات مجالس چهارم و پنجم
* افزایش امنیت اقتصادی و توان دولت در حفاظت از سیستم اقتصادی	* طرح مسأله تغییر حکومت به جمهوری و مخالفت با آن
	* مخالفت اندک با تمرکز و انحصار قدرت در رضاشاه از سوی روشنفکران

منبع: تحقیق حاضر

#### ۴-۳- دوره ۱۳۲۰-۱۳۰۵: شکل‌گیری وضعیت طبیعی پایه و اولین تجربه

##### شکاف توازن دوگانه سیاسی و اقتصادی در ایران

نوع نظم اجتماعی حاکم در دوره ۱۳۲۰-۱۳۰۵، وضعیت طبیعی پایه‌ای است که در آن دولت توان حفاظت از سازمان‌های تحت مدیریت خود را دارا است با این حال از ظرفیت شکل‌گیری سازمان‌های متعلق به بخش مستقل از دولت برخوردار نیست.

در بازه زمانی ۱۳۲۰-۱۳۱۰ راهبرد اقتصادی به سمت جایگزینی واردات تغییر یافت. در پنج سال اول دوره رضاشاه، دولت به عنوان ناظر اقتصاد عمل می‌کرد، بیشتر بر اصلاح نهادهای سیاسی و حقوقی و بهبود وسایل حمل‌ونقل متمرکز بود و تا سال ۱۳۰۷ نظام تجارت آزاد پا برجا مانده بود، اما در دهه ۱۳۱۰، راهبرد صنعت‌سازی از طریق سیاست جایگزینی واردات در دستور کار قرار گرفت. دلیل این امر نیز شکل‌گیری بحران جهانی

۱۹۳۰ میلادی و برنامه‌ریزی متمرکز در شوروی بود که منجر به کاهش صادرات ایران شد (کارشناس، ۱۳۸۲) و بر این اساس، سیاست درون‌گرایی در اقتصاد پیگیری شد که شکل‌گیری بوروکراسی در دهه ۱۳۰۰ نیز بر آن تاثیرگذار بود (همان). از منظر نظم اجتماعی با افزایش ظرفیت حقوق عمومی، دولت به طور فعال در ارتقای سیستم اقتصادی ایفای نقش کرده است. دولت در سطح وضعیت طبیعی پایه از این توان برخوردار شده بود که از سازمان‌هایی که خودش ایجاد کرده است، حمایت کند. در عین حال سیاست‌های تجاری و ارزی این دوره به گونه‌ای اعطای مزایای انحصاری با اعضاء ائتلاف غالب یا حامیان آن است (جدول (۵)).

در حرکت از وضعیت طبیعی شکننده به وضعیت پایه، نیروهای نظامی به شدت نقش مهمی ایفا می‌کنند و این نیروها در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی نیز وارد می‌شوند که این امر در دوره رضاشاه به وضوح قابل مشاهده است. در واقع منزلت ارتش و کارکنان آن در مقایسه با سایر دولتمردان در این دوره بسیار بالا بوده و نیروهای نظامی از طریق دست‌کاری نظام سیاسی و کنترل انتخابات بر افزایش احتمال بقای ائتلاف غالب و در واقع تقویت وضعیت طبیعی پایه کمک کرده‌اند و از مجلس ششم تا سیزدهم ارتش و شاه مجلس را به صورت کامل کنترل می‌کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۷۱). همچنین در این دوره، شاه با زمینداران بزرگ نیز از در مصالحه درآمد و اصلاحات ارضی را از دستور کار خارج کرد. در نتیجه این شرایط طول عمر کابینه‌ها در دوره رضاشاه به شدت افزایش یافت و رشد اقتصادی نیز از پی آن حادث شد، اما این رشد اقتصادی از طریق کنترل سیاسی و در فضای بسته سیاسی به دست آمد و از سال ۱۳۱۲ به تدریج قدرت رضاشاه افزایش یافت و درجه قائم به شخص شدن امور افزایش قابل ملاحظه‌ای یافت. مخالفان بزرگ و یا کسانی که احتمال مخالفت داشتند (شامل برخی از وزیران) به روش‌های متفاوتی (از جمله ترور و زندان) از صحنه حذف شدند که در کنار آن افراد معروف حزب توده در سال ۱۳۱۶ نیز دستگیر شدند.

در واقع بعد از دوره ناامنی که در کشور در بازه زمانی انقلاب مشروطه تا کودتای ۱۲۹۹ ایجاد شد و کودتا برای ایجاد امنیت انجام گرفت به تدریج امنیت در کشور افزایش یافت و پس از آن رشد و توسعه اقتصادی (دوره ۱۳۰۵-۱۳۲۰) در دستور کار قرار گرفت. با این حال به تدریج که رشد اقتصادی و در نتیجه سطح دسترسی اقتصادی افزایش یافت،

۹۶ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۸

ساختارهای سیاسی کشور بسته تر شد و با افزایش قدرت شاه، سطح دسترسی سیاسی کاهش پیدا کرد. این امر منجر به شکل گیری شکاف توازن دو گانه سیاسی و اقتصادی شد که بقای نظم اجتماعی را تهدید می کرد و احتمال شکل گیری کودتا توسط افسران نظامی یا انقلابی خونین در اذهان پدیدار شده بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۰۱).

جدول (۵): نظم اجتماعی در دوره ۱۳۲۰-۱۳۰۵

سطح سیستم اقتصادی: وضعیت طبیعی پایه با توان شکل دهی سازمان های وابسته به ائتلاف غالب (شرکت های دولتی)	سطح سیستم سیاسی: وضعیت طبیعی پایه که توان حمایت از سازمان های سیاسی وابسته به دولت و سرکوب سازمان های غیر وابسته را داشت
شرایط سیستم اقتصادی: * شکل گیری سیاست جایگزینی واردات * شکل گیری بوروکراسی در دهه ۱۳۰۰ و کمک آن به سیاست جایگزینی واردات * سیاست های سرمایه گذاری مبتنی بر مزایای انحصاری ائتلاف غالب (معافیت گمرکی، استفاده از نرخ ارز ترجیحی، ایجاد انحصارات حکومتی، اعطای وام های کم بهره از طریق بانک ملی، ایجاد شرکت های دولتی و سرمایه گذاری مستقیم دولت در امور تولیدی) * سیاست های تجاری مبتنی بر نظم اجتماعی دسترسی محدود (وجود کنترل های ارزی، نظام چندنرخ ارز، کنترل تجارت خارجی در راستای سیاست جایگزینی واردات از طریق قانون انحصار تجارت خارجی) * قائم به شخص شدن تصمیمات مهم اقتصادی از سال ۱۳۱۶ به بعد	شرایط سیستم سیاسی: * کنترل انتخابات و مجلس توسط ارتش و شاه * مصالحه زمینداران با شاه در تقسیم قدرت * افزایش طول عمر کابینه * شکل گیری قوانین مدنی جدید در حوزه های گوناگون اقتصادی * قائم به شخص شدن تصمیمات سیاسی از سال ۱۳۱۲ به بعد * استبداد سیاسی به دلیل لغو مصونیت پارلمانی، بستن روزنامه های مستقل، از بین بردن احزاب سیاسی * شکل گیری تدریجی ناراضیاتی در بین مردم (از جمله دانشجویان و روشنفکران) در دهه ۱۳۱۰

منبع: یافته های پژوهش برگرفته از کارشناس (۱۳۸۲)، کاتوزیان (۱۳۸۷)، آبراهامیان (۱۳۸۹) و فوران (۱۳۸۰)

#### ۴-۴- دوره ۱۳۲۶-۱۳۲۰: وضعیت طبیعی شکننده

در عمل نه کودتای افسران شکل گرفت و نه انقلابی خونین، بلکه با اشغال ایران در جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۲۰ رضاشاه کنار رفت و قدرت دولت مرکزی در ایجاد امنیت در کشور به شدت افول کرد و نظم اجتماعی از وضعیت طبیعی پایه به وضعیت طبیعی شکننده تنزل پیدا کرد.

مجاز شدن استفاده از درآمدهای نفت در بودجه، کاهش شدید ارزش پول ملی و تورم بالای صددرصدی نشان از تنزل ظرفیت نظم اجتماعی آن دوره و ناتوانی آن در مقابل دفاع از نهادهای تحت حاکمیت خود (از جمله بانک مرکزی و پول ملی) است به گونه‌ای که نیروهای خارجی دولت را مجبور کردند پول بدون پشتوانه چاپ کند و سهیلی به عنوان نخست وزیر وقتی که پیشنهاد آن‌ها برای چاپ پول بدون پشتوانه را رد کرد از قدرت کنار گذاشته شد. این موارد در کنار شکل‌گیری قحطی مواد غذایی (نیمه دوم ۱۳۲۱) و افزایش ناامنی اقتصادی متناسب با وضعیت طبیعی شکننده بوده است.

از منظر سیاسی، چون رضاشاه از طریق بستن دسترسی سیاسی به رشد اقتصادی رسیده بود، پس از او رقابت سیاسی میان گروه‌های سیاسی متفاوت فراهم شد و کنترل قدرت نظامیان و قدرت شاه از جمله بحث‌های مرتبط جدی گروه‌های سیاسی در این دوره بود (عظیمی، ۱۳۸۷). رقابت میان گروه‌های دربار، مجلس، کابینه، سفارتخانه‌های خارجی و مردم به عنوان قطب‌های قدرت دائما در حال تغییر بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۰۸) این امر به بی‌ثباتی سیاسی و علاوه بر آن شکل‌گیری تضادهای سیاست‌گذاری در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی منجر شد. در عین حال در این دوره گروه‌های سیاسی فراوانی ایجاد شدند (از جمله ایجاد حزب دمکرات توسط قوام نخست وزیر) که عمر آن‌ها نیز کوتاه بود و کوتاه مدت بودن عمر آن‌ها با نظم اجتماعی دسترسی محدود سازگار است.

تلاش برای کنترل سیاسی نظامیان و ارتش که آخرین مرحله گذار از دسترسی محدود به دسترسی باز است در این دوره در ایران مطرح بوده است، اما با وجود تلاش‌های فراوان ارتش تقریباً بدون تغییر باقی ماند (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۱۸).

در کنار رقابت‌های دائمی میان گروه‌های سیاسی، اختلافات قومی و قبیله‌ای (از جمله آذربایجان) در این دوره دوباره سر باز کرد و ضمن تهدید قدرت مرکزی در کنترل خشونت شرایط شکنندگی نظم اجتماعی را تقویت کرد.

۹۸ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۸

جدول (۶): نظم اجتماعی در دوره ۱۳۲۰-۱۳۲۶

شرایط سیستم اقتصادی:	شرایط سیستم سیاسی:
* عدم توانایی ائتلاف غالب در تامین امنیت کارگزاران اقتصادی و تامین امنیت غذایی شهروندان (به دلیل شکل گیری قحطی ناشی از جنگ جهانی دوم)	* عدم توانایی ائتلاف غالب در مدیریت خشونت و تامین امنیت برای بقای ائتلاف غالب
* ناتوانی ائتلاف غالب در حفاظت از سازمان‌های عمومی مالی و پولی (به دلیل دخالت خارجی‌ها در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی، کاهش شدید ارزش پول ملی، افزایش شدید تورم و بی‌ثباتی شدید متغیرهای کلان اقتصادی)	* تهدید تمامیت ارضی از طریق نیروهای استقلال طلب مناطق و تهدید بقای نظم اجتماعی در اثر اشغال ایران
* تلاش ناموفق برای حل مساله قائم به شخص بودن تصمیم‌گیری‌ها در حوزه سیاسی (تضاد شاه و پارلمان و ابهام قانون اساسی)	* تلاش ناموفق بخشی از ائتلاف غالب برای کنترل سیاسی ارتش
* ایجاد سازمان‌های سیاسی (از جمله احزاب) با طول عمر بسیار اندک و وابسته بودن آن‌ها به هیات موسس و ناتوانی دولت در حمایت از سازمان‌های وابسته به دولت یا مستقل از آن	* ایجاد سازمان‌های سیاسی (از جمله احزاب) با طول عمر بسیار اندک و وابسته بودن آن‌ها به هیات موسس و ناتوانی دولت در حمایت از سازمان‌های وابسته به دولت یا مستقل از آن

منبع: یافته‌های پژوهش، برگرفته از کارشناس (۱۳۸۲)، کاتوزیان (۱۳۸۷)، آبراهامیان (۱۳۸۹) و فوران (۱۳۸۰)

۴-۵- دوره ۱۳۳۲-۱۳۲۶: دوره گذار به وضعیت طبیعی پایه

در نهایت پس از چندین سال تلاش و مذاکره با نیروهای موثر در کنترل شورش‌های منطقه‌ای و قومی مشکل جدایی طلبی نیروهای منطقه‌ای حل شد و دوباره قدرت مرکزی از توان حفاظت از خود در حوزه امنیت برخوردار شد و در عین حال در حوزه اقتصادی نیز سازمان برنامه شکل گرفت، شورای عالی اقتصاد فعال شد و برنامه عمرانی اول تصویب شد که در مجموع این شرایط کشور را در مرحله گذار از وضعیت طبیعی شکننده به پایه قرار داد.

از منظر نظم اجتماعی از جمله اهداف برنامه اول عمرانی (۱۳۳۴-۱۳۲۷) تلاش برای کاهش مشکل قائم به شخص بودن سیاست‌گذاری‌ها بود، اما در عمل یک سال بعد از تصویب برنامه، بازم نخست وزیر و وزرا بالاتر از برنامه‌های عمرانی قرار گرفتند و این



## تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۹۹

مشکل به قوت خود باقی ماند. همچنین ساماندهی شرکت‌های دولتی در دستور کار قرار گرفت که نشان‌دهنده تلاش برای ارتقای ظرفیت نظم اجتماعی برای حمایت و ارتقای حقوق عمومی و خصوصی است. همچنین سازمان برنامه که شکل گرفت، شاه رییس آن را در ابتدا تعیین می‌کرد تا از احتمال تضعیف شدن آن در مقابل نخست وزیر و وزرا جلوگیری کند که این امر به معنی تلاش ائتلاف غالب برای حمایت از سازمان‌های حقوق عمومی است.

یکی از خواسته‌های مهم بعد از اشغال ایران، کنترل قدرت شاه و محدود کردن آن بود که در عمل شاه در بازه زمانی ۱۳۲۰-۱۳۲۶ قدرت چندانی نداشت، اما در سال‌های بعد از ۱۳۲۶ قدرت شاه تقویت شد به گونه‌ای که پس از ترور ناموفق شاه در ۱۳۲۷، شاه مخالفان (مصدق، کاشانی و...) را تبعید یا نفوذ آن‌ها را محدود کرد. در شرایط حکومت نظامی، مجلس سنا ایجاد و حق رای انحلال مجلس نیز به شاه داده شد با این حال با تشدید تضادهای اجتماعی در سال ۱۳۲۹ حسین علاء به پیشنهاد مجلس (و نه شاه) به قدرت رسید و در تشکیل کابینه با جبهه ملی همکاری کرد و پس از او با نخست وزیر مصدق، قدرت شاه در بالاترین سطح تهدید شد که در نهایت از طریق کودتا قدرت شاه بازیابی شد. در دوره مصدق کاهش بودجه دربار و کنترل بازوهای دربار از جمله دستور کارهای مصدق برای کنترل قدرت شاه بود که در چارچوب نظم اجتماعی، تلاش برای افزایش سطح دسترسی سیاسی قلمداد می‌شود.

نیروهای نظامی نیز در این دوره در اکثر مواقع تقویت شدند و در سیاست دخالت کردند به گونه‌ای که ارتش در دوره نخست وزیری حکیمی از طریق حکومت نظامی در شکل‌گیری مجلس موسسان و سنا به شاه کمک کرد و در مدیریت انتخابات مجلس تاحد امکان ایفای نقش نیز می‌کرد، اما پس از طرح مساله ملی شدن صنعت نفت و از سال ۱۳۲۹ به بعد کنترل سیاسی نظامیان از طریق کنترل بودجه آن‌ها و جلوگیری از دخالت آن‌ها در سیاست مورد توجه جبهه ملی و حزب توده قرار گرفت که آخرین مرحله گذار از دسترسی محدود به باز است. مصدق با در دست گرفتن وزیر دفاع تا حدی بر نیروهای نظامی تاثیر گذار شد، اما با کودتای خارجی که با کمک ارتش انجام گرفت سازوکار کنترل سیاسی ارتش در ایران نیز به تعویق افتاد.

۱۰۰ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۸

در مجموع، در این دوره به تدریج ظرفیت‌های اقتصادی و سیاسی کشور متناسب با دوره گذار از وضعیت شکننده به وضعیت طبیعی پایه بوده‌اند.

جدول (۷): نظم اجتماعی در دوره ۱۳۲۶-۱۳۳۲

سطح سیستم اقتصادی و سیاسی: در حال گذار از وضعیت طبیعی شکننده به پایه	
شرایط سیستم اقتصادی:	شرایط سیستم سیاسی:
* شکل‌گیری نظام برنامه‌ریزی و سازمان برنامه	* دستیابی به توانایی حفاظت از تمامیت ارضی از
برای کاهش تضادهای سیاست‌گذاری و کاهش	۱۳۲۶ به بعد
مشکل قائم به شخص بودن امور	* رقابت غیرقاعده‌مند نخبگان سیاسی و عدم وجود
* تأثیر منفی نیروهای خارجی بر سیستم اقتصادی	نقش قانون برای نخبگان
* تلاش برای ساماندهی شرکت‌های دولتی به	* تلاش ناموفق برای کنترل سیاسی نظامیان و شاه
معنی حصول به ظرفیت حمایت از سازمان‌های	* تلاش ناموفق برای شکل‌دهی سازمان‌های سیاسی
عمومی اقتصادی وابسته به ائتلاف غالب	عمومی (دولت و مجلس) به دلیل دخالت خارجی‌ان
* تلاش ناموفق در انجام اصلاحات ارضی به	* تهدید سازمان‌های سیاسی مستقل از دولت
عنوان افزایش حضور مردم در اقتصاد و گسترش	(حزب توده) و سازمان‌های سیاسی وابسته به
حلقه ائتلاف غالب	بخشی از ائتلاف غالب (جبهه ملی)

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۶- دوره ۱۳۴۲-۱۳۳۲: دوره تثبیت وضعیت طبیعی پایه

برای از بین بردن ناامنی دهه ۱۲۹۰ کودتای ۱۲۹۹ انجام گرفت و به تدریج فضا برای رشد و توسعه اقتصادی در دوره رضاشاه حاصل شد، اما در دهه ۱۳۱۰ به تدریج با افزایش سطح دسترسی‌های اقتصادی، سطح دسترسی‌های سیاسی از طریق قدرت گرفتن شاه و ارتش به شدت کاهش یافت. بر همین اساس بعد از اشغال در جنگ جهانی دوم، کنترل قدرت شاه و ارتش از جمله اولویت‌های گروه‌های سیاسی بودند. یک دهه تلاش برای کنترل ارتش و شاه در نهایت با کودتای ۱۳۳۲ باعث شد که کنترل سیاسی نظامیان در ایران در آن مقطع اتفاق نیافتد. کودتا در عین حال که قدرت شاه و ارتش را بازگرداند، اما مشروعیت سیاسی شاه و ارتش را به شدت کاهش داد. ائتلاف غالب (شامل شاه، ارتش و دربار و وزرا و مجلس و...) تلاش کرد که از طریق رشد اقتصادی این کمبود مشروعیت را جبران کند. بر همین اساس در این دوره، برنامه دوم عمرانی به صورت انبساطی طراحی شد و ایجاد و

## تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۱۰۱

ارتقای امور عمرانی (در کشاورزی، ارتباطات، مخابرات، صنایع و معادن) از جمله اهداف این برنامه بود (متن قانون برنامه دوم عمرانی). در عمل سیاست‌های انبساط مالی ضمن ایجاد رشد اقتصادی به بحران بدهی‌های ارزی سال‌های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ منجر شد.

در بعد سیاسی، پس از کودتای ۱۳۳۲ در سال ۱۳۳۵ شاه حق و توی لوایح مالی را به دست آورد. در سال ۱۳۳۶ ساواک شکل گرفت تا مخالفان سیاسی را کنترل کند. در سال‌های ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۸ نیز دو حزب اکثریت و اقلیت دولت‌ساز (احزاب ملیون و مردم) شکل گرفت که در کنار آن‌ها نیروهای نظامی نیز مدام در امور اقتصادی و سیاسی حضور خود را افزایش دادند. در نتیجه در بازه زمانی ۱۳۳۲-۱۳۳۸ دسترسی سیاسی به شدت محدود شد، اما بحران بدهی‌های ارزی ۱۳۳۸ و فشار آمریکا باعث شد دوره فضای باز سیاسی ۱۳۳۹-۱۳۴۲ به صورت موقت شکل گیرد که در نهایت با پیروزی شاه، کنار گذاشتن امینی و سرکوب قیام پانزده خرداد مجدداً فضای سیاسی در کشور بسته شد.

در این دوره سطح نظم اجتماعی دسترسی پایه در سیستم اقتصادی ارتقای قابل توجهی یافت و به مرحله گذار به شرایط بالغ رسید. ایجاد صندوق تجدید ارزیابی ذخایر ارزی، ایجاد بانک‌های تخصصی، تصویب قانون پولی و بانکی کشور، تاسیس بانک مرکزی، ایجاد شورای پول و اعتبار و گسترش سازمان برنامه و بودجه از جمله این نهادسازهای عمومی هستند. علاوه بر آن، ظرفیت بخش خصوصی وابسته به دولت از طریق مزایای انحصاری دسترسی محدود گسترش یافت. بانک اعتبارات صنعتی (تاسیس ۱۳۳۵) و بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران (تاسیس ۱۳۳۸)، نقش مهمی در سرمایه‌گذاری بخش خصوصی ایفا کردند. این بانک‌ها امکان مشارکت بخش خصوصی وابسته به ائتلاف غالب را افزایش می‌دادند. به عنوان مثال، بانک توسعه صنعتی و معدنی در بازه زمانی ۱۳۳۸-۱۳۵۱ حدود ۵۵ درصد کل سرمایه‌گذاری ثابت بخش خصوصی را انجام داد. با این حال بیش از ۴۹ درصد از سهام بانک متعلق به ۱۰ نفر بود و بیش از ۲۵ درصد از وام‌های تصویب شده این بانک به شرکت‌هایی اعطا شد که بخشی یا همگی آن متعلق به اعضای هیات مدیره بانک بود (کارشناس، ۱۳۸۲، ۱۴۷) و اعضای هیات مدیره نیز عضو نخبگان ائتلاف غالب یا وابسته به آن‌ها بودند.

یکی از ویژگی‌های احزاب در دسترسی محدود (به خصوص در شرایط پایه)، شکل‌گیری آن‌ها توسط دولت و ائتلاف غالب است. در این دوره، در ایران دو حزب

توسط ائتلاف غالب شکل گرفت (حزب ملیون توسط نخست وزیر وقت (اقبال) و حزب مردم توسط علم) که هر دو نیز دلایل شکل گیری را پیروی از «منویات مبارک شاهنشاه» (فرهمند، محمد، بی تا) و مناسب تشخیص دادن زمان شکل گیری آن‌ها توسط شاه (صارمی، ۱۳۷۸: ۷۱) و تداوم آن‌ها نیز «الطاف و افکار دموکرات منشانه شاهنشاه آریا مهر» بوده (همان: ۷۳ برگرفته از روزنامه اندیشه مردم، شماره ۱۴۹) که یکی نقش حزب مسلط و یکی نقش حزب اقلیت (حزب مردم) را داشته‌اند.

همچنین در این دوره نظامیان در سیاست و اقتصاد دخالت داشتند و به عنوان عضو ائتلاف غالب در کنار استانداران در انتخابات مجلس دخالت می‌کردند. با این حال در دوره نخست وزیری علی امینی (دوره فضای باز سیاسی ۱۳۴۲-۱۳۳۹)، کنترل نظامیان و کاهش بودجه آن‌ها یکی از راهبردهای نخست وزیر بود. کاهش بودجه ارتش به عنوان یکی از راهبردهای کاهش کسری بودجه به چالش میان شاه و امینی تبدیل شده بود که در نهایت با دخالت امریکا به نفع شاه تمام شد. حتی در دوره پس از امینی نیز یک تیمسار نظامی وزارت کشاورزی را برعهده گرفت تا اصلاحات ارضی (یک واقعه تاریخی مهم) را مدیریت کند.

در اواخر این دوره، اصلاحات ارضی در چارچوب سیاست‌های بین‌المللی آمریکا طرح شد. اصلاحات ارضی در ایران موفق نشد در حالی که دلیل اصلی حرکت کره جنوبی از دسترسی محدود به دسترسی باز انجام اصلاحات ارضی موفق در دهه ۱۹۵۰ بوده است (به بخش مطالعات پیشین مراجعه شود). با این حال اصلاحات ارضی، سطح دسترسی ائتلاف غالب به مردم را تا سطح روستاها گسترش داد.

### تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۱۰۳

جدول (۸): نظم اجتماعی در دوره ۱۳۴۲-۱۳۳۲

سطح سیستم اقتصادی و سیاسی: وضعیت طبیعی پایه	
شرایط سیستم اقتصادی:	شرایط سیستم سیاسی:
* ارتقای ظرفیت بخش عمومی از طریق ایجاد و گسترش * سازمان‌های اقتصادی (شرکت‌های دولتی و بانک‌ها) و اعطای رانت انحصاری این شرکت‌ها و بانک‌ها به اعضای ائتلاف غالب	* کنترل شدید سازمان‌های سیاسی رقیب توسط ائتلاف غالب
* ارتقای ظرفیت نظارتی و اطلاعاتی بخش عمومی (از طریق سازمان برنامه، بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار)	* شکل‌گیری سازمان‌های سیاسی وابسته به هیات موسس از طریق ائتلاف غالب (احزاب دولت ساز)
* شکل‌گیری بخش خصوصی وابسته به دولت از طریق مزایای انحصاری دسترسی محدود (از طریق ایجاد بانک‌های خصوصی و اعطای تسهیلات بانکی با نرخ بهره کم)	* دخالت نظامیان در سیاست
* شروع اصلاحات ارضی	* افزایش قدرت عالی‌ترین مقام ائتلاف غالب (شاه)
* قائم به شخص بودن سازمان‌ها و اختلاف آن‌ها بر سر جایگاه نسبی هریک (میان سازمان برنامه و وزارت دارایی)	* کنترل طبقه متوسط سنتی: مدارا تا ۱۳۳۸ و سپس تضعیف شدید آن‌ها
* ناسازگاری سیاست‌ها به دلیل قائم به شخص بودن سازمان‌ها (ناسازگاری سیاست‌های پولی و مالی و عدم آگاهی از سطح بدهی‌های خارجی بخش عمومی و خصوصی در برنامه دوم عمرانی)	* نظارت شدید بر طبقه متوسط جدید (در نظام اداری) و شکل‌دهی سازمان‌های موازی (اتحادیه‌های کارگری) توسط ائتلاف غالب
* شکل‌گیری بحران ارزی منتج از ناسازگاری سیاست‌ها	* تغییر موقت نظم اجتماعی به دلیل شوک داخلی و تغییر دستور کار خارجی (در دوره فضای باز سیاسی ۱۳۳۹-۱۳۴۲) و عدم شکل‌گیری تغییر اساسی
	* دخالت نیروهای خارجی برای حفاظت وضعیت طبیعی پایه و جلوگیری از ارتقای آن به وضعیت طبیعی بالغ (کودتای ۱۳۳۲ و حمایت از شاه در مقابل امینی در ۱۳۴۱)
	* انقلاب سفید

منبع: یافته‌های پژوهش

پژوهشگاه علوم انسانی  
رتال جامع علوم انسانی

۷-۴- دوره ۱۳۵۱-۱۳۴۲: وضعیت طبیعی پایه به همراه افزایش تدریجی

#### شکاف توازن دوگانه اقتصادی و سیاسی

دهه ۱۳۴۰ دهه طلایی رشد اقتصادی ایران است. دهه‌ای که در آن تورم بسیار اندک و رشد اقتصادی بسیار بالا بوده است به گونه‌ای که متوسط رشد اقتصادی در این دهه بالاتر از ۱۲ درصد و حتی رقم رشد اقتصادی سال ۱۳۵۰ بالای ۲۰ درصد بوده است (بانک مرکزی، سری‌های زمانی)، اما در مقابل در حالی که دسترسی‌های اقتصادی در این دوره به شدت گسترش یافته است، سطح دسترسی‌های سیاسی تغییر متناسب با آن را نداشته و به همین دلیل در چارچوب نظم اجتماعی در این دوره شکاف توازن دوگانه سیاسی و اقتصادی شکل گرفته که یکی از عوامل مهم زمینه ساز انقلاب اسلامی است.

شکل‌گیری نهادهای مالی، پولی و سیاست‌گذاری اقتصادی در دهه ۱۳۳۰ (مراجعه شود به بخش ۴-۶) و معرج شدن کارشناسان اقتصادی، زمینه تغییر برنامه‌های میان مدت از عمرانی (برنامه اول و دوم) به برنامه‌های جامع (سوم به بعد) را فراهم کرد. برنامه‌ریزان سازمان برنامه در دهه ۱۳۴۰ شرایط توسعه‌ای ایران را بر اساس نظریه نوسازی تحلیل می‌کردند و انتظار داشتند اصلاحات اقتصادی در اولویت باشد تا در نتیجه آن، نظام سیاسی نیز دموکراتیک شده و سطح پاسخ‌گویی مسئولین و آزادی‌های سیاسی افزایش یابد (فرمانفرماتیان، و همکاران، ۱۳۸۲) در حالی که این دیدگاه در ابتدا مورد اقبال کارگزاران سیاسی نبود (همان)، اما بعد (حداقل در حرف) مورد توجه کارگزاران سیاسی نیز قرار گرفت به گونه‌ای که شاه در سال ۱۳۴۹ در زمان طراحی برنامه پنجم عمرانی کشور در رامسر بیان کرد که دموکراسی اقتصادی و دموکراسی سیاسی باید باهم به پیش برده شود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۱). در دهه ۱۳۵۰ پس از شوک نفتی و افزایش سطح قائم به شخص شدن امور این دیدگاه را رها کرد و به سمت سیاست تک حزبی (حزب رستاخیز) و حذف دموکراسی سیاسی حرکت کرد.

در دهه ۱۳۴۰ دو محور مهم اقتصادی در دستور کار قرار گرفت که عبارت بودند از اصلاحات ارضی و صنعتی شدن از طریق جانشینی واردات. اصلاحات ارضی در سه فاز طراحی شد که فاز اول را ارسنجانی در دولت امینی پیگیری کرد، اما در فازهای دوم و سوم، نیروهای نظامی بر امور مسلط شدند و اهداف اصلاحات ارضی (شکل‌گیری

## تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۱۰۵

زمینداران مستقل) محقق نشد. بر خلاف ایران در کره جنوبی اصلاحات ارضی در دهه ۱۹۵۰ و توسعه صنعتی از طریق جانشینی واردات در دهه ۱۹۶۰ در دستور کار قرار گرفت که کره جنوبی در هر دو مورد موفق شد (به بخش مطالعات پیشین مقاله مراجعه شود). در مقابل جایگزینی واردات در ایران بسیار متفاوت از کشورهای موفق در این زمینه (مانند کره جنوبی) عملیاتی شد. در ایران اعطای رانت انحصاری تقریباً بدون قید زمانی و سطح عملکرد ارائه شد. تسهیلات ارزان قیمت، نرخ‌های بهره پایین و... به نوعی سیاست حمایت از اعضای ائتلاف غالب یا حامیان آن بود و با تداوم این دیدگاه تاکنون، صنایعی با بیش از چند دهه سابقه وجود دارند که هنوز نمی‌توانند بدون حمایت دولت به فعالیت خود ادامه دهند. اعطای رانت‌های انحصاری (مانند تسهیلات کم بهره) به تدریج بخش خصوصی وابسته به ائتلاف غالب را در دهه ۱۳۴۰ شکل داد. در واقع راهبرد جایگزینی واردات یک طبقه جدید سرمایه‌دار در ایران درست کرد که به دولت وابسته بود و به دلیل حق انحصاری دسترسی دائم به رانت و مزایای ائتلاف غالب، سرمایه خود را افزایش می‌داد. در کره جنوبی نیز سیاست جایگزینی واردات یک طبقه سرمایه‌دار وابسته به ائتلاف غالب شکل داد که از نظامیان حمایت می‌کردند، اما واگذاری مزایای انحصاری و رانت به آن‌ها محدود و منوط به انجام صادرات بود.

همانطور که بیان شد نهادهای مالی و پولی فراوانی در دهه ۱۳۳۰ ایجاد شد و این سیاست در دهه ۱۳۴۰ نیز تداوم یافت (از جمله شکل‌گیری بورس). این نهادها باعث شد که ظرفیت دولت در حمایت از سازمان‌های اقتصادی دولتی (مانند بانک‌ها، بورس و شرکت‌های دولتی) وابسته به ائتلاف غالب موفق عمل کند و در کنار آن بخش خصوصی وابسته به ائتلاف غالب (از جمله بانک‌های خصوصی، صنایع خودروسازی و...) نیز شکل گرفت. پس در این دوره هم حقوق عمومی قوی بوده است و هم حقوق خصوصی در حال شکل‌گیری بوده است. براین اساس، این مقطع کشور از بعد اقتصادی در مرحله دسترسی محدود پایه قرار داشته که زمینه‌های گذار به مرحله بالغ را نیز در حال تدارک بوده است. بسیاری از ساختارهای اقتصاد ایران در دهه ۱۳۴۰ شکل گرفته‌اند و تاکنون نیز تداوم یافته‌اند که از جمله این ساختارها می‌توان به نظام بودجه‌ریزی و برنامه‌ریزی اشاره کرد. در حالی که سطح دسترسی اقتصادی به صورت مداوم در حال افزایش بود، اما سطح دسترسی سیاسی کاملاً کنترل شده بود. بر همین اساس پس از انقلاب سفید و فراندوم آن

در بهمن ۱۳۴۱ به تدریج فضا به سمت شکل‌گیری اولین اعتراض اساسی در راستای تغییر بنیادین ائتلاف غالب حرکت کرد (قیام خرداد ۱۳۴۲) و در مقابل ائتلاف غالب نیز با پیگیری سیاست ایجاد احزاب دولت‌ساز، حزب ایران نوین را در سال ۱۳۴۲ ایجاد کرد. تداوم اعتراضات به ترور ناموفق شاه در کاخ مرمر در سال ۱۳۴۴ منجر شد که در مقابل ائتلاف غالب نیز مقرر کرد که اگر شاه فوت شد و ولیعهد به سن قانونی نرسید فرح نایب‌السلطنه شود و با این کار ریسک‌های نهفته در تعیین جانشینی (که یکی از دستورکارهای مهم و درعین حال چالش برانگیز در دسترسی محدود است) را کاهش داد. مجموع عوامل اقتصادی و سیاسی این دوره باعث شد که دولت ایران از یک دولت دست‌نشانده خارجی به سمت دولت بسیار خودمختار حرکت کند (گازپوروفسکی، ۱۳۷۱: فصل ششم و هفتم). همچنین در این دوره ایران با هر دو کشور پیشرو دنیای بلوک شرق و غرب (شوروی و آمریکا) روابط خود را ارتقا داد و با توجه به اینکه در سطح بین‌الملل دوره تنش‌زدایی میان شرق و غرب حاکم بود شاه با جلب توافق آن‌ها توانست در حوزه سیاست داخلی استقلال عمل کافی به دست آورد. این استقلال نسبی منجر به شکل‌گیری توسعه اقتصادی در کنار سرکوب سیاسی شد و افزایش قابل توجه قیمت نفت در دهه ۱۳۵۰ این امر را تقویت کرد که کاتوزیان از این دوره به عنوان دوره استبداد نفتی نام برده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۷۹-۳۲۰).



## تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۱۰۷

جدول (۹): دوره ۱۳۴۲-۱۳۵۱: ارتقای وضعیت طبیعی پایه با افزایش شکاف توازن دوگانه

سطح سیستم اقتصادی: ارتقای سیستم اقتصادی درون وضعیت طبیعی پایه و گذار به وضعیت طبیعی بالغ در برخی از بخش‌های اقتصادی	سطح سیستم سیاسی: حمایت از سازمان‌های ائتلاف غالب و سرکوب سازمان‌های سیاسی خارج از ائتلاف غالب
شرایط سیستم اقتصادی: * شکل‌گیری دهه طلایی رشد اقتصادی ایران * تلاش برای کاهش تضاد سیاست‌گذاری از طریق برنامه‌ریزی جامع عمرانی (سوم و چهارم) * افزایش تضاد دیدگاه توسعه‌ای میان کارگزاران سیستم اقتصادی و کارگزاران سیاسی * اجرای راهبرد جایگزینی واردات به صورت ناقص: اعطای مزایای انحصاری و شکل‌گیری بخش خصوصی وابسته به دولت * افزایش شکاف طبقاتی به عنوان کاهش ظرفیت وضعیت طبیعی پایه * شکل‌گیری ساختار مالی و محاسباتی کشور که تاکنون تداوم یافته است. * ایجاد و گسترش سازمان‌های اقتصادی وابسته به ائتلاف غالب (شرکت‌های دولتی) * شکل‌گیری سازمان‌های اقتصادی اندک مستقل از دولت (به عنوان ویژگی وضعیت طبیعی بالغ) * شکل‌گیری شرکت‌های خصوصی وابسته به ائتلاف غالب (مانند بانک‌های خصوصی و بنیادهای خیریه‌ای و فرهنگی) * دستکاری اصلاحات ارضی در فازهای دوم و سوم	شرایط سیستم سیاسی: * شکل‌گیری هسته اولیه تغییر بنیادین ائتلاف غالب * تأسیس گروه‌های سیاسی (احزاب دولت‌سازی) توسط ائتلاف غالب برای پیشبرد انقلاب سفید و مبارزه با مخالفان * کاهش ریسک مساله جان‌شینی مقام اول مملکت * افزایش ظرفیت دسترسی به مناطق کشور تا سطح روستاها از طریق اصلاحات ارضی و انقلاب سفید * حرکت از دولت دست‌نشانده به دولت بسیار خودمختار * شکل‌گیری دوره تنش‌زدایی در دنیای جنگ سرد و افزایش قدرت شاه در سیاست داخلی * شکل‌گیری شکاف توازن دوگانه اقتصادی و سیاسی

منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۸- دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۱: گذار از دسترسی محدود پایه به دسترسی محدود شکننده

ایران در دهه ۱۳۵۰ چشم‌انداز عجیبی از توسعه را پیش روی خود می‌دید. دهه ۱۳۴۰ که دهه طلایی رشد اقتصادی ایران بود (متوسط رشد بالای ۱۲ درصد)، حتی در سال ۱۳۵۰ رشد اقتصادی ایران بالای ۲۰ درصد بود، توسط نهادهای بین‌المللی از جمله بانک جهانی به عنوان الگوی موفق کشورهای در حال توسعه از ایران نام برده می‌شد، تورم در کشور بسیار پایین بود. در بعد سیاسی نیز فضای سیاسی داخلی کاملاً در اختیار و کنترل شده بود و در سطح بین‌الملل نیز توافق همزمان بلوک‌های شرق و غرب را به‌دست آورده بود. بر همین اساس است که انتظارات بسیار بالایی از دهه ۱۳۵۰ در میان سیاستمداران و به صورت خاص خود شاه شکل گرفت، چشم‌اندازی که دستیابی به تمدن بزرگ، ایفای نقش در سطح منطقه‌ای در میان مدت و در سطح جهانی در بلندمدت را نوید می‌داد.

در این چارچوب در زمان طراحی برنامه پنجم عمرانی (۱۳۵۱-۱۳۵۵) در سال ۱۳۴۹، چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ای برای کشور در نظر گرفته شد که برنامه‌های پنجم تا هشتم عمرانی دربر می‌گرفت و انتظار می‌رفت که از طریق چهار برنامه میان مدت پنج ساله ایران وارد تمدن بزرگ شود هر چند که این چشم‌انداز به تصویب نرسید (سازمان برنامه، ۱۳۵۱). در این چارچوب برنامه پنجم عمرانی به صورت بلندپروازانه طراحی شد و با وجود مخالفت کارشناسان سازمان برنامه با آن به پیش برده شد و در میانه راه که شوک نفتی ۱۳۵۱ اتفاق افتاد این برنامه تجدیدنظر شد و متوسط نرخ رشد اقتصادی آن حدود ۲۶ درصد در نظر گرفته شد (متوسط نرخ رشدی که در تاریخ بی سابقه بوده و آثار اجتماعی آن غیرقابل پیش بینی است چرا که در مدت زمان حدود سه سال درآمد سرانه افراد دو برابر می‌شود و تغییرات نوع و سطح خواسته‌ها و انتظارات را نیز در پی دارد). افزایش شدید قیمت نفت باعث شد که ایران از یک سو گرفتار بیماری هلندی شود (در مرحله اول رونق ایجاد می‌شود، در مرحله دوم تورم افسار گسیخته ایجاد شده، بخش‌های غیرمولد (مانند مسکن) افزایش شدید قیمت خواهند داشت، واردات کالاهای قابل مبادله نیز به شدت افزایش یافته به تدریج کارخانه‌ها و صنایع تولید کننده کالاهای قابل مبادله تعطیل می‌شوند و نیروی کار آن‌ها بیکار می‌شوند و در مرحله سوم که قیمت نفت کاهش می‌یابد، بخش مسکن نیز

## تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۱۰۹

دچار رکود می‌شود که در نتیجه آن سرمایه عظیمی از کشور را کد شده و حتی ممکن است نظام بانکی یک کشور نیز در آن گرفتار شود و در این شرایط رکود که کشور به تسهیلات بانکی برای خروج از رکود نیاز دارد نظام بانکی نیز توان نخواهد داشت و در نتیجه کل کشور دچار مشکل می‌شود) و از سوی دیگر تصمیم‌گیری‌های کلان اقتصادی و سیاسی قائم به شخص شوند. بر همین اساس سازمان برنامه که مخالف تصمیم‌گیری‌های سریع و غیر کارشناسی بود به شدت تضعیف شد و بخش قابل توجهی از انباشت دانش برنامه‌ریزی ایران در این دهه از بین رفت. در نتیجه این موارد، در سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۵ تورم به بیش از ۱۰ درصد رسید. در حالی که در دهه ۱۳۴۰ تورم بسیار اندک (بین دو تا پنج درصد) بود (بانک مرکزی، سری‌های زمانی). در واقع با افزایش قیمت نفت و شکل‌گیری بیماری هلندی در کشور، نه تنها کشور به سمت تمدن بزرگ حرکت نکرد، بلکه به دلیل شکاف انتظارات مردم از دنیای واقعی کشور به سمت نارضایتی بیشتر طبقات مختلف جامعه و انقلاب حرکت کرد.

مبنتی بر رهیافت نظم اجتماعی از جمله ویژگی‌های کشورهای با دسترسی محدود وجود سازمان‌های با هویت شخصی است که در نتیجه با تغییر اشخاص در راس مدیریت، سیاست‌های کلان این سازمان‌ها نیز تغییر می‌کند. این امر هم در دوره رضاشاه و هم در دوره محمدرضا شاه در ایران به وضوح قابل مشاهده است. در نیمه دوم دهه ۱۳۱۰ رضاشاه به شدت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی دخالت می‌کرد و تقریباً کسی توان مخالفت با آن را نداشت. این امر بار دیگر در دهه ۱۳۵۰ پس از شوک نفتی به وقوع پیوست.

از منظر سیاسی در این مقطع بقای ائتلاف غالب به صورت پیوسته و به گونه‌ای فزاینده تهدید می‌شد. در زمان آغاز فرآیند تدوین برنامه پنجم عمرانی، سخترانی شاه در رامسر (۱۳۴۹) نشان می‌دهد که مخالفت‌هایی در گوشه و کنار کشور با نظام سیاسی وجود دارد و شاه آن‌ها را اقلیت مخالف توسعه و پیشرفت ایران قلمداد کرد (سازمان برنامه، ۱۳۵۱). به تدریج مخالفت‌های سیاسی به سطح مبارزه مسلحانه افزایش یافت و گروه‌های چریکی مخالفت خود با بقای ائتلاف غالب را تشدید کردند. با افزایش فشارهای سیاسی و افزایش سطح مخالفت‌ها با شاه، تغییر نظام حزبی (از دو حزبی دولت ساز به تک حزبی دولت ساز که عضویت در آن اجباری بود) شکل گرفت که این امر نیز بر شدت اعتراضات در کشور

۱۱۰ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۸

افزود. پس از آن به تدریج سهم نیروهای نظامی در مدیریت کشور افزایش یافت و از روش‌های متفاوت تلاش شد تا از شکل‌گیری انقلاب جلوگیری شود، اما در نهایت در حالی که شاه در رویای دستیابی به تمدن بزرگ بود کشور به سمت انقلاب حرکت کرد. در این دهه در کشورهای متفاوتی در سطح دنیا نیز انقلاب و کودتا به وقوع پیوسته است.

جدول (۱۰): نظم اجتماعی دوره ۱۳۵۷-۱۳۵۱

دلیل شوک نفتی و قائم به شخص شدن امور	سطح سیستم اقتصادی: آسیب پذیری اقتصاد به
شرایط سیستم اقتصادی:	سطح سیستم سیاسی: تهدید بقای ائتلاف غالب
شرایط سیستم اقتصادی:	شرایط سیستم سیاسی:
* وجود انتظارات گسترده از توسعه اقتصادی در	* وجود آگاهی از ضرورت پیگیری همزمان
آغاز دهه ۱۳۵۰ به دلیل تجربه کردن دهه ۱۳۴۰ با	دموکراسی * اقتصادی و دموکراسی سیاسی در
رشد متوسط بالای ۱۲ درصد، رسیدن رشد سال	زمان تدوین برنامه پنجم عمرانی
۱۳۵۰ به بالای ۲۰ درصد، و جلب موافقت	* ایفای نقش ژاندارم منطقه توسط ایران
همزمان آمریکا و شوروی در دهه ۱۳۴۰	* شکل‌گیری نظام تک حزبی در کشور
* افزایش شدید قیمت نفت و شکل‌گیری بیماری	* افزایش مبارزات مسلحانه علیه حکومت
هلندی (ابتدا رونق، سپس افزایش تورم و در	* وقوع انقلاب و کودتاهای فراوان در دنیا در این
نهایت شکل‌گیری رکود)	دهه
* شروع برنامه پنجم عمرانی و تجدید نظر در آن	* وجود شکاف تنوریک میان مسئولان اقتصادی
در میانه برنامه برای تحقق اهداف بلندپروازانه	و شاه در مدیریت درآمدهای نفت
تمدن بزرگ	
* افزایش قائم به شخص شدن امور و نقش شاه	
در تصمیمات مهم اقتصادی و سیاسی	
* کاهش نقش سازمان برنامه و کنار گذاشتن این	
سازمان از تصمیم‌گیری‌های مهم	

منبع: یافته‌های پژوهش

### ۵- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مبتنی بر رهیافت نظم اجتماعی، توسعه عبارت است از تلاش برای گذار از نظم اجتماعی دسترسی محدود به نظم اجتماعی دسترسی باز. نظم اجتماعی دسترسی محدود به سه حالت

شکننده، پایه و بالغ تقسیم می‌شود. در مرحله شکننده، سیاست و اقتصاد در هم تنیده هستند و مردم یا مخالف ائتلاف غالب هستند یا موافق. این امر برای شرکت‌های اقتصادی و احزاب و گروه‌های سیاسی نیز صادق است. در این مرحله در نتیجه شرکت‌های خصوصی مستقل معنی ندارد. در حالت شکننده هر لحظه ممکن است ائتلاف غالب از بین برود و ائتلاف غالب جدیدی شکل گیرد. در مرحله پایه، بقای ائتلاف غالب تضمین شده است و ائتلاف غالب می‌تواند از شرکت‌های اقتصادی و احزاب و گروه‌های سیاسی وابسته به خود حفاظت کند. شرکت‌های خصوصی و احزاب سیاسی غیروابسته به ندرت می‌توانند حفظ شوند و قوانین خصوصی نیز در سطحی نیستند که بتوانند از آن‌ها حفاظت کنند. با این حال شرکت‌های خصوصی و احزاب سیاسی مستقل در کشور وجود دارند، اما سهمشان از اقتصاد و سیاست اندک است. در مرحله بالغ کشور به سطحی رسیده است که ائتلاف غالب بقای خود را تضمین شده می‌داند، می‌تواند از شرکت‌های دولتی و خصوصی و همچنین احزاب و گروه‌های سیاسی وابسته به دولت و همچنین مستقل حفاظت کند و حقوق خصوصی نیز قوی است. در حالت بالغ کشور به تدریج به مرحله‌ای می‌رسد که شرایط و ویژگی‌های دوره گذار از نظم اجتماعی دسترسی محدود به باز را می‌تواند پیدا کند. این شرایط به شرایط آستانه‌ای مشهور هستند که عبارتند از حاکمیت قانون برای نخبگان ائتلاف غالب، وجود سازمان‌های با طول عمر نامحدود و کنترل سیاسی نظامیان.

در این مقاله شرایط نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی مطالعه شده است. مبتنی بر رهیافت نظم اجتماعی مقاطع تاریخی انتخاب و متغیرهای عمده اقتصادی و سیاسی هر مقطع تاریخی مطالعه شده است. قائم به شخص بودن امور، کنترل سیاسی نظامیان، مساله جانشینی، قدرت شاه، دست کاری سیاسی اقتصاد، توازن یا عدم توازن دو گانه اقتصادی و سیاسی، مزایا و رانت‌های ائتلاف غالب در شرکت‌های دولتی و خصوصی (تسهیلات بانکی، ارزی و...)، احزاب دولت ساز، سطح حقوق عمومی و خصوصی و ناسازگاری سیاست‌های اقتصادی از جمله متغیرهای توضیح‌دهنده نوع نظم اجتماعی هستند. بر همین اساس در تحلیل شرایط اقتصادی و سیاسی این متغیرها مبنای تحلیل بوده‌اند. برای تحلیل نوع نظم اجتماعی ایران، بازه زمانی ۱۲۸۵-۱۳۵۷ به چندین مقطع تاریخی متفاوت تقسیم شده است.

## ۱۱۲ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۸

دوره ۱۲۸۵-۱۲۹۹ دوره دسترسی محدود شکننده بوده است. با اینکه خواسته‌های انقلابیون مشروطه (۱۲۸۵) خواسته‌های نظم اجتماعی دسترسی باز بودند، اما در این دوره، شرایط به گونه‌ای بود که ناامنی کشور را فرا گرفت و دولت در حفاظت از نهادهای عمومی نیز ناتوان شد که در راستای تحقق امنیت مردم و سیاستمداران به استقبال کودتای ۱۲۹۹ رفتند.

پس از کودتا تا تغییر رژیم از قاجاریه به پهلوی (۱۲۹۹-۱۳۰۵) دوره گذار از دسترسی محدود شکننده به دسترسی محدود پایه در نظر گرفته شده است. در این دوره با شکل‌گیری امنیت و حفاظت از نهادهای عمومی به تدریج کشور به سمت دسترسی محدود پایه حرکت کرد.

در دوره ۱۳۲۰-۱۳۰۵، رشد اقتصادی در کشور شکل گرفت، کابینه‌ها با ثبات شدند، اما با گذر زمان به تدریج فضای سیاسی کشور بسته‌تر شد و سطح دسترسی سیاسی کاهش شدیدی داشت که در نتیجه آن شکاف توازن دوگانه اقتصادی و سیاسی در کشور تجربه شد.

در دوره ۱۳۲۶-۱۳۲۰ پس از اشغال ایران دوباره امنیت تنزل کرد، اختلافات قومی و قبیله‌ای تشدید شد و در کنار آن شاخص‌های اقتصادی (از جمله تورم) به شدت وخیم شدند که نشان‌دهنده بازگشت به شرایط دسترسی محدود شکننده بودند. در این دوره تلاش‌های زیادی برای کنترل شاه و ارتش (یکی از شرایط آستانه‌ای گذار به دسترسی باز) و افزایش دسترسی‌های سیاسی انجام گرفت با این حال موفق نبود.

دوره ۱۳۳۲-۱۳۲۶ دوره گذار از وضعیت دسترسی محدود شکننده به پایه است. در این دوره حکومت مرکزی توانست بر مشکلات قومی و منطقه‌ای فایق آید و زمینه را برای دفاع از نهادهای عمومی فراهم کند. در این دوره تلاش فراوانی برای کنترل سیاسی نظامیان و محدود کردن قدرت شاه انجام گرفت که در نهایت کودتای ۱۳۳۲ اتفاق افتاد.

دوره ۱۰ ساله ۱۳۴۲-۱۳۳۲ دوره تثبیت دسترسی محدود است. پس از کودتای ۱۳۳۲ در راستای به دست آوردن مشروعیت، ائتلاف غالب به سمت برنامه‌های اقتصادی انبساطی از طریق برنامه دوم عمرانی روی آورد و در کنار آن با ایجاد نهادهای سیاسی کنترل‌کننده (مانند ساواک) و شکل دادن احزاب دولت ساز ملیون و مردم (به عنوان اقلیت و اکثریت وفادار به ائتلاف غالب) دسترسی سیاسی را محدود کرد، اما با بروز بحران ارزی در سال

### تحلیل تغییرات نظم اجتماعی ایران از ... ۱۱۳

۱۳۳۸ و فشار آمریکا، فضای باز سیاسی دوره ۱۳۴۲-۱۳۳۹ شکل گرفت. در این دوره مجدد کنترل سیاسی نظامیان و کاهش قدرت شاه در دستور کار قرار گرفت، اما در نهایت از طریق فراندوم انقلاب سفید در اواخر سال ۱۳۴۱ و سرکوب مخالفان در خرداد ۱۳۴۲ مجدداً فضای سیاسی کنترل شد.

در دهه ۱۳۳۰ برخی از بانک‌ها و شرکت‌های دولتی ایجاد شدند که بتوانند زمینه را برای انجام طرح‌های عمرانی بزرگ (زیرساخت‌ها) فراهم کنند و این امر در دهه ۱۳۴۰ نیز پیگیری شد (شکل‌گیری بازارهای مالی از جمله آن‌ها بود). در دهه ۱۳۴۰ برنامه‌های سوم و چهارم عمرانی یک دهه طلایی رشد در اقتصاد ایران شکل گرفت (متوسط رشد اقتصادی بالای ۱۲ درصد) و در کنار آن تورم نیز در سطح پایینی قرار داشت با این حال در این دهه رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی انجام گرفت. این امر باعث شکل‌گیری شکاف توازن دوگانه اقتصادی و سیاسی شد و تا شوک نفتی ۱۳۵۱ تداوم داشت.

پس از شوک نفتی به یکباره مسیر حرکت تغییر کرد. با ملاحظه اینکه ایران در دهه ۱۳۴۰ رشد بالایی را تجربه کرده بود و در سال ۱۳۵۰ رشد بالای ۲۰ درصد در کشور به ثبت رسیده بود پس از شوک نفتی، در برنامه پنجم تجدیدنظر شد و رشد اقتصادی ۲۶/۵ درصدی هدف گذاری شد تا بتواند رویا تحقق تمدن بزرگ را زودتر محقق کند و نهادهای تصمیم‌گیری مبتنی بر کارشناسی (مانند سازمان برنامه) که با این تجدیدنظر مخالف بودند نقششان در تصمیم‌گیری‌ها به شدت تقلیل یافت که نتیجه آن بروز تورم بالای ۱۰ درصد در کشور بود. در این میان تغییر راهبرد آمریکا و توجه بیشتر به حقوق بشر حمایت‌هایش از شاه کمتر شد و مبارزات مسلحانه در داخل نیز افزایش یافت. در سال‌های پایانی به دلیل افزایش ناامنی، مجدد نیروهای نظامی سکانشاد اصلی دولت شدند و وزارتخانه‌های کلیدی را در اختیار گرفتند، اما شکاف توازن دوگانه سیاسی-اقتصادی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰، سهم بالای جمعیت جوان دهه ۱۳۵۰، وجود انقلاب‌ها و کودتاهای فراوان در سطح دنیا در دهه ۱۳۵۰، افزایش نارضایتی‌های اجتماعی، افزایش مبارزات مسلحانه تهدیدکننده بقای ائتلاف غالب و... زمینه شکننده شدن نظم اجتماعی ایران در بازه زمانی ۱۳۵۱-۱۳۵۷ را فراهم کرد.

۱۱۴ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۸

جدول (۱۱): تغییرات نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه (۱۲۸۵) تا انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)

بازه زمانی	نوع نظم اجتماعی دسترسی محدود	مهم ترین شرایط
۱۲۸۵-۱۲۹۹	دسترسی محدود شکننده	به همراه تلاش ناموفق برای اعمال شرط آستانه‌ای گذار (کنترل سیاسی نظامیان) و حاکمیت قانون برای نخبگان (کنترل شاه)
۱۲۹۹-۱۳۰۵	در حال گذار از دسترسی محدود شکننده به دسترسی محدود پایه	کنترل قدرت اعمال خشونت توسط دولت مرکزی
۱۳۰۵-۱۳۲۰	دسترسی محدود پایه	شکل‌گیری حقوق عمومی و سازمان‌های عمومی شکاف توازن دوگانه اقتصادی و سیاسی (رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی)
۱۳۲۰-۱۳۲۶	دسترسی محدود شکننده	به چالش کشیدن اعمال خشونت توسط دولت مرکزی به همراه تلاش برای اعمال شرط آستانه‌ای گذار (کنترل سیاسی نظامیان) و قانون برای نخبگان (کنترل شاه)
۱۳۲۶-۱۳۳۲	در حال گذار از دسترسی محدود شکننده به دسترسی محدود پایه‌ای	تلاش برای اعمال شرط آستانه‌ای گذار (کنترل سیاسی نظامیان) که با دخالت نیروهای خارجی به شکست انجامید.
۱۳۳۲-۱۳۴۲	تثبیت دسترسی محدود پایه‌ای	کسب مشروعیت از طریق سیاست‌های انبساطی اقتصادی تلاش ناموفق برای اعمال شرط آستانه‌ای گذار (کنترل سیاسی نظامیان) و کنترل شاه
۱۳۴۲-۱۳۵۱	دسترسی محدود پایه در سیاست / در حال گذار به دسترسی محدود بالغ در اقتصاد	افزایش ظرفیت حقوق عمومی و شکل‌گیری حقوق خصوصی به همراه شکاف توازن دوگانه اقتصادی و سیاسی (دهه طلایی رشد اقتصادی در فضای بسته سیاسی)
۱۳۵۱-۱۳۵۷	گذار از دسترسی محدود پایه به دسترسی محدود شکننده	قائم به شخص شدن امور تهدید بقای ائتلاف غالب

منبع: یافته‌های پژوهش



در مجموع در این مقاله تحول نظم اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی ارائه و نشان داده شد که مسائل سیاسی و اقتصادی در کنش و واکنش متقابل قرار دارند. مشخص شد که برای اینکه رشد بلندمدت و پایدار ایجاد شود، لازم است توازن دوگانه سیاسی و اقتصادی در بلندمدت وجود داشته باشد و دسترسی‌های سیاسی و اقتصادی در بلندمدت متناسب باشند (در میان مدت و کوتاه مدت می‌توانند متفاوت باشند). بیان شد که در دسترسی محدود نیروهای نظامی نقش مهمی در اقتصاد و سیاست دارند. تحلیل شد که سیاست‌های اقتصادی (از جمله جانشینی واردات) با اعطای رانت و مزایای انحصاری به اعضای ائتلاف غالب در دسترسی محدود به پیش برده می‌شوند و بانک‌های خصوصی و دولتی، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی هم کارکرد اقتصادی دارند (افزایش کارایی اقتصادی و ثروت) و هم کارکرد سیاسی (افزایش قدرت ائتلاف غالب و تضمین بقای آن). بر همین اساس در کشورهای با دسترسی محدود (از جمله کشور ایران تاکنون) در تحلیل نقش شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی (مانند بنیادها) در اقتصاد فقط در چارچوب اقتصاد نئوکلاسیک، کارایی اندکی دارد و در عین حال که مبنای تحلیل اقتصاد باید بنگاه هم باشد، اما کارکردهای آن و متغیرهای موثر بر آن باید فراتر از متغیرهای اقتصادی باشد در غیر این صورت حتی تحلیل‌های صرف اقتصادی مبتنی بر کتب دانشگاهی می‌تواند در برخی موارد گمراه‌کننده نیز باشد.

در مطالعه نشان داده شد که در دوره‌هایی که ایران رشد اقتصادی خوبی داشته است (دوره ۱۳۲۰-۱۳۰۵ و ۱۳۵۱-۱۳۴۲)، دسترسی سیاسی محدود شده و به همین دلیل رشد اقتصادی تداوم نیافته است. مشاهده شد که در دوره‌هایی که دسترسی محدود بوده ائتلاف غالب به سمت شکل‌دهی احزاب دولت‌ساز روی آورده که کارآمد نبوده‌اند. در نهایت نشان داده شد که در مقاطعی برای ورود به شرایط آستانه‌ای دسترسی باز (از جمله کنترل سیاسی نظامیان و قانون برای نخبگان) تلاش شده است، اما به دلیل اینکه ایران در مرحله دسترسی محدود بالغ نبوده، موفق به انجام آن نشده است.

مقایسه تطبیقی تجربه کشورهای کره جنوبی و مکزیک که در بخش مطالعات پیشین ارائه شد و تجربه ایران که در این مقاله نشان می‌دهد که ایران و کره جنوبی هر دو اصلاحات ارضی و صنعتی‌سازی از طریق جایگزینی واردات داشته‌اند، اما کره جنوبی در هر دو مورد موفق شد و ایران در هر دو مورد شکست خورد. اصلاحات ارضی در

کره جنوبی باعث کاهش نابرابری و افزایش شدید سرمایه انسانی شد، این سرمایه انسانی موتور محرکه اجرای سیاست جایگزینی واردات شد و جایگزینی واردات نیز به تدریج به سمت توسعه صادرات حرکت کرد، اما اصلاحات ارضی در ایران در فازهای دوم و سیاسی دستکاری شد و از هدف اصلی خود مبنی بر شکل گیری طبقه زمیندار مستقل باز ماند و جایگزینی واردات نیز نتوانست به توسعه صادرات منجر شود و فقط رانت‌های دسترسی انحصاری به اعضای ائتلاف غالب را در پی داشت در حالی که این دو سیاست، مبنای حرکت کره جنوبی به دسترسی باز بودند. کشور مکزیک نیز همانند ایران در گذار از دسترسی محدود به باز ناموفق بوده است با این تفاوت که کشور مکزیک در ربع قرن آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در زمره کشورهای بود که در حال گذار از دسترسی محدود به باز قرار داشتند و وضعیت بسیار مناسب‌تری از خیلی از کشورهای توسعه یافته کنونی داشت، اما همانطور که انقلاب مشروطه در ایران نتوانست به اهداف خود (دستیابی به دسترسی باز) دست یابد انقلاب مکزیک در اوایل قرن بیستم نیز نتوانست به این هدف دست یابد و هر دو در وضعیت طبیعی شکننده گرفتار شدند و هر دو کشور در قرن بیستم تلاش‌های مداومی برای حرکت به دسترسی باز داشته‌اند که موفق نشده‌اند.

## منابع

### الف - فارسی

- اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس جمهور (۱۳۷۹)، *دولتهای ایران از میرزا نصرالله خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی*، شورای نظارت: میرحسین موسوی، هادی خانیکی، احمد مسجدجامعی: شورای علمی یعقوب آژند... [و دیگران]: بازنویسان و مصححان علیرضا اسماعیلی، روح‌الله بهرامی و علی‌اکبر علی‌اکبری بایگی
- آبراهامیان، پروانه (۱۳۸۹)، *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران معاصر*، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی، نشر نی
- بانک مرکزی، سری‌های زمانی و گزارش اقتصادی و ترازنامه، سال‌های متفاوت
- دیاس کاپروس، آلبرتو (۱۳۹۴)، *خودی‌های تحکیم یافته: نظام دسترسی محدود در مکزیک*، در نورث، والیس، وب و وینگاست (۱۳۹۴)، *در سایه خشونت*، ترجمه میردامادی، محسن و نعیمی پور، محمدحسین، انتشارات روزنه
- رنانی، محسن (۱۳۹۵)، «نظم شکن در شکن»، فصلنامه دریچه، سال یازدهم، شماره ۴۰
- زمانی، رضا (۱۳۹۲)، *تحلیل توسعه ایران در یکصد سال اخیر مبتنی بر رهیافت نظم اجتماعی*، رساله دکتری، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی.
- سازمان برنامه (۱۳۵۰)، *سازمان برنامه در دهه انقلاب*، سازمان برنامه.
- سونگ یو، جونگ (۱۳۹۴)، *گذار از یک نظم اجتماعی دسترسی محدود به یک نظم اجتماعی دسترسی باز مورد کره جنوبی*، در نورث، والیس، وب و وینگاست (۱۳۹۴)، *در سایه خشونت*، ترجمه میردامادی، محسن و نعیمی پور، محمدحسین، انتشارات روزنه
- صارمی شهاب، اصغر (۱۳۸۷)، *احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران*، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۸۷)، *بحران دموکراسی در ایران ۱۳۳۲ - ۱۳۲۰*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، بیژن نوذری. آسیم
- فرمانفرمائی، خداداد، عبدالمجید مجیدی و منوچهر گودرزی (۱۳۸۲)، *توسعه در ایران ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷*، ویراستار غلامرضا افخمی، گام نو.

۱۱۸ فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال نوزدهم، شماره ۷۳، تابستان ۱۳۹۸

فرهمنده، محمد، تفسیر مرامنامه حزب ملیون، بی تا، انتشارات و دبیرخانه حزب ملیون فوران، جان (۱۳۸۰)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۷)، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی؛ ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، چاپ چهاردهم. کارشناس، مسعود (۱۳۸۲)، نفت، دولت و صنعتی شدن در ایران، ترجمه علی اصغر سعیدی، یوسف حاجی عبدالوهاب، گام نو. گازیوروفسکی، مارک ج. (۱۳۷۱)، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، نشر مرکز.

لوح حق، مرکز پژوهش‌های مجلس، بی تا، قوانین موضوعی کشور. مجیدی، عبدالمجید (۱۳۸۱)، خاطرات عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۱-۱۳۵۶)، ویراستار حبیب لاجوردی. تهران، گام نو. ملکی، حسین (۱۳۸۹)، دولت‌ها و دولتمردان ایران در عصر مشروطیت و ساختارنهادها، نشر آگاه نورث، والیس و وینگاست (۲۰۰۹)، خشونت و نظم‌های اجتماعی، ترجمه جعفر خیرخواهانو رضا مجیدزاده (۱۳۹۶)، انتشارات روزنه. نورث، والیس، وب و وینگاست (۲۰۱۲)، در سایه خشونت، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی پور (۱۳۹۴)، انتشارات روزنه.

ب- انگلیسی

Rodrik, Dani, (2005), *Growth Strategies*, in Philippe Aghion and S.Durlauf, *Handbook of Economic Growth*, North-Holland.  
North, D. C., J. J. Wallis, and B. R. Weingast. (2006), *A Framework for Interpreting Recorded Human History*, NBER Working Paper w12795. December.  
Salehi Esfahani and Esra Ceviker Gurakar (2014), "Social Order, Rents, and Economic Development in Irna Since the Early 20<sup>th</sup> Century", *The Economic Forum*, wp 850.